

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال پنجم
شماره ۵۹ - بهمن ۱۳۸۳ - فوریه ۲۰۰۵

کنگره سوم حزب کار ایران (توفان) برگزار شد

اخیرا کنگره حزب طبقه کارگر ایران (توفان)، حزب همه مارکسیست-لنینیستها، با حضور کادرها و نمایندگان واحدهای حزبی از سراسر جهان در شرایط مخفی بدور از گزند چشم دشمنان ملی و طبقاتی برگزار شد.

کنگره ما مخفی بود زیرا واقفیم که در شرایط دموکراسی لیبرالی بورژوازی امکان برگزاری کنگره یک حزب آشتی ناپذیر با نظام سرمایه داری و انقلابی هرگز مقدور نیست.

ما هرگز فریب تبلیغات دروغین بی طرفی بورژوازی و دموکراسی ناب و بی قید و شرط آنها را نمیخوریم و اعضاء و کادرها ی حزبی را به زیر تیغ ارتجاع و امپریالیسم نمیفرستیم.

کنگره در شرایطی تشکیل شد که امپریالیستها به بهانه مبارزه با تروریسم موجی از اختناق را در سراسر جهان گسترده اند و حقوق دموکراتیک مردم را یکی بعد از دیگری از آنها پس میگیرند. شامه پلیس و جاسوسان پلیس تیز شده است و میخواهند بیاری سازمانهای تقلبی با نقاب کمونیستی کمونیستهای واقعی را شکار کرده و آنها را سر به نیست کنند.

طبقات حاکمه و بهره کشان از انسان میدانند که باید احزاب مارکسیستی لنینیستی را نابود سازند تا طبقه کارگر نتواند از این دانش مبارزه طبقاتی بهره گرفته و برای کسب حقوق خودش مسلح شود. امپریالیستها میدانند که تشکیلات، سلاح مبارزه زحمتکشان است و چنانچه آنها فاقد چنین تشکلی باشند نمیتوانند مبارزه اجتماعی را رهبری کرده و آموزشهای لازم را ببینند. کنگره ما در چنین شرایط، در شرایط محاصره دشمن تشکیل شد و با موفقیت کار خویش را به پایان رسانید.

کنگره ما در شرایطی تشکیل شد که حمله ایدئولوژیک به مارکسیسم لنینیسم و آودن این علم در زیر الفاظ مارکسیستی از جانب رویونیستها، تروتسکیستها، رفرمیستها، اکونومیستها، کائوتسکیستها، پناه بران به مارکس و گذشته برای فرار از کار آینده از... **بقیه در صفحه ۲**

بیانیه حزب کار ایران (توفان) پیرامون انتخابات عراق همدلی از همزبانی بهتر است

واشنگتن فریاد بر میآوردند که ایران در حال دخالت در اوضاع عراق است و شیعیان را تقویت میکند تا در انتخابات پیروز شوند. ایران پول خرج میکند و شاه اردن حتی مدعی است که یک میلیون ایرانی عرب زبان راهی عراق شده اند تا در انتخابات بنفع جمهوری اسلامی شرکت کنند!! گویا این جوانکی که تاج انگلیس بخشیده خانواده هاشمی را بر سر گذارده چهار عمل اصلی را نیز در مدرسه نیاموخته است. مگر قرار نیست که با شناسنامه رای داد؟ مگر قرار نیست که این مردم در محلهای رای خود ساکن باشند؟ آیا جمهوری اسلامی همه این مدارک را جعل کرده و برای یک میلیون نفر خانه ساخته و یا اجاره کرده است؟ رژیمی که قادر نیست خانه ای... **بقیه در صفحه ۳**

قطعه نامه کنگره سوم حزب کار ایران (توفان)

در مورد "همه پرسی"

در این "همه پرسی" (رفراندوم) باید ظاهرا هدف کسب قدرت سیاسی باشد و نه مماشات با حاکمیت. زیرا کسب قدرت سیاسی مسئله اساسی هر انقلاب و تغییر بنیادین است. وقتی قدرت سیاسی را نیروهای انقلابی و مردمی کسب کردند ساختار اقتصادی و راههای تکامل آینده جامعه را نیز طراحی خواهند نمود. دورنمای هر تحولی که نخواهد در گل بماند و گمراه شود باید کسب قدرت سیاسی باشد. اگر این نظریه همه انقلابهای تاریخ درست است آنوقت باید روشن باشد مردم برای چگونه... **بقیه در صفحه ۷**

رنگ کردن مردم در انتخابات قلابی عراق
اخیرا همه هواداران تجاوز به عراق دارند یواشکی از همزبانی به هم دلی میرسند. از قدیم نیز گفته اند همدلی از همزبانی بهتر است. آنها همگی دست بیکی کرده اند که کالای بنجولی را به نام انتخابات قلابی عراق به مردم جهان قالب کنند.

این جبهه وسیع که از ناسیونال شونیستهای فارس و آذری و کرد، سلطنت طلبان آریایی، رویونیستهای حزب توده و آبروباختگان "حزب کمونیست کارگری ایران" و خواهر توامانش در عراق، مجاهدین تازه از راه رسیده خلق شروع میشود تا ایاد علوی و احمد التلیبی و کالین پاول و رامزفلد و جرج بوش و تونی بلر و لخ والسا و آریل شارون و... ادامه دارد.

همه عناصر این جبهه واحد، انتخابات قلابی تحت حکومت نظامی و اشغال کشور عراق را تأیید میکنند. این انتخابات قلابی حتی مورد تأیید جمهوری اسلامی ایران نیز قرار دارد.

پادشاه اردن و سایر مرتجعین منطقه، حتی کیهان لندنی ارگان سیاسی سلطنت طلبان ایران مدعی اند که انتخابات عراق اگر به نفع ایران تمام شود قلابی است و دموکراتیک نیست و نباید به آراء عمومی تن در داد ولی چنانچه به نفع شیعیان تمام نشود و سنگینی وزنه اش بیشتر به سمت آمریکا باشد و نوکران آنها را تقویت کند آنوقت این انتخابات کاملا دموکراتیک بوده و باید به آراء مردم احترام گذاشت. آنها ماهیت انتخابات را بر اساس نتیجه اش تعریف میکنند. و طبیعتا نسبت به سرنوشت آن نیز همانگونه برنامه ریزی کرده و برخورد خواهند کرد.

آنها یک صدا از بغداد تا لندن و پاریس و

یکسال بعد از زمین لرزه بم

مردم ایران تا چه برسد مردم بم بر نداشت. هنوز که هنوز است مردم در چادر زندگی میکنند و از آینده خویش بی خبرند. رژیم جمهوری اسلامی که تمام ذکر و خیرش در پی قاچاق مواد مخدر، فروش زنان و دختران ایرانی به شیخ نشینها، سرکوب نویسندگان و دانشجویان و روشنفکران است و نمایشات اعتراضی کارگران، آموزگاران را به گلوله میندند و هر روز اسکله جدیدی برای دزدی بنا میکند و یا بنیاد نوینی برای اخاذی تاسیس میگرداند و سازمان جدید سرکوب مستقر میسازد طبیعتا فرصت آنرا ندارد که به درد دل مردم و مشکلات آنها برسد و سقفی بر بالای سر آنها بنا نهد. نخستین کار مالاها دراز کردن کتشول گدائی به سوی جهانیان بود. مملکتی مملو از نفت و گاز و مس و اورانیوم قادر به تامین مردمش نبود. و وقتی این کمکها به ایران سرازیر شد و البته نه در حد وعده هائیکه ممالک کلاش امپریالیستی و ارتجاعی در بوقهای تبلیغاتی خود دمیدند- کوفی عنان به مناسبت دریا لرزه جنوب شرقی آسیا فاش ساخت که تنها ۱۲ در صد از وعده کمکهای کشورهای. به ایران، پرداخت شده است- بخش بزرگ آنها به جیبهای مبارک و گشاد آخوندها سرازیر شد. آنچه را که آخوندها رسماً نتوانستند... **بقیه در صفحه ۶**

بیش از یکسال از زمین لرزه تکان دهنده و دلخراش شهر بم میگذرد. زمین لرزه ایکه حداقل منجر به قربانی شدن ۴۰ هزار نفر از هموطنان ما شد و شهر بم را به مخروبه ای تبدیل کرد و هزاران نفر جان بدربردگان از زلزله شهر بم را نیز بدست رژیم جمهوری اسلامی بی خانمان نمود. هنوز رژیم جمهوری اسلامی قادر نیست آمار دقیق قربانیان شهر بم را اعلام کند. برای آنها جان انسان ها ارزشی ندارد که بر سر چند هزار نفر مرده و یا زنده آنها چانه بزینیم. مگر تفاوت بارزی میان مرده گان و زنده گان محکوم به زندگی در تحت لوای ولی فقیه و جمهوری اسلامی وجود دارد؟

رژیم ملایان این زلزله را ریاکارانه غضب الهی ارزیابی میکند و مدعی است که خدا در عمق آسمانها با فاصله میلیاردها سال نوری بیکار نشسته تا مردم ایران را از بو به روی کار آمدن آخوندها با دستگاه هدایت از راه دور از یک مصیبت به مصیبت دیگر گرفتار کند و بلاپای زلزله طیس، جنگ هشت ساله، زلزله شمال و زلزله بم را برای آنها بیآفریند و مردم ما را آزمایش کند، توگویی برای جمهوری اسلامی برای عذاب جهنم این مردم کافی نبوده است. این حکومت گامی در جهت بهبود شرایط زندگی

به حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

کنگره سوم حزب کار...

یک سو و یورش بورژوازی لیبرال با تئوریهایی پوچ و نیهیلیستی "کارل پوپر" و طبقه زدائی جامعه، طبقه زدائی مفاهیم اجتماعی، بی رنگ کردن نقش امپریالیسم، نفی ماهیت ارتجاعی و طفیلی امپریالیسم در جهان از سوی دیگر هنوز ادامه داشت و در آینده تا زمانیکه طبقات وجود دارد ادامه خواهد داشت.

کنگره حزب ما در شرایطی تشکیل شد که امپریالیستها با نقض همه قوانین بین المللی و حقوق بشر به خاک عراق تجاوز کرده اند و هزاران نفر از مردم عراق را همراه با شهرها و دهات به خاک و خون کشیده اند. آنها حقوق انسانها را با وحشیانه ترین وضعی به زیر پا گذاشته ولی دورویانه خود را حامی حقوق بشر نشان میدهند.

کنگره ما در شرایطی تشکیل شد که امپریالیستها خود را برای تجاوزات بعدی نیز آماده میکنند و رحل اقامت در منطقه افکنده اند.

کنگره در شرایطی تشکیل شد که امپریالیست آمریکا کشور ما ایران را از هر طرف محاصره کرده و با یاری صهیونیستها، ناسیونال شونیستهای فارس و آذری، کرد، عرب و ... با همکاری پان ترکیستها ترکیه در پی اخلاص و ضربه زدن به ایران است.

کنگره ما در شرایطی تشکیل شد که رژیم فاسد در ایران بر سر کار است که تمام ذکر و خیرش مال اندوزی و زدزی و قدرت طلبی است. سیاست آنها به مصداق "بعد از مرگ من چه دریا چه سراب" است. هم اکنون جدال دو جناح موسوم به "اصلاح طلبان" و "انحصار طلبان" به نفع انحصار طلبان و یا بقولی محافظه کاران و یا اقتدارگرایان به اتمام رسیده است و حاکمیت "یکدست" شده است. جناحبندهای مافیائی جمهوری اسلامی ایران برای قبضه کردن تمامی قدرت و تامین امنیت دسته و فرقه خود و غارت منابع مالی دولتی و ملی به جان هم افتاده و مشغولند تا بهر نحو که شده با امپریالیست آمریکا کنار بیایند و برای حفظ قدرت خود هر امتیاز خیانتکارانه ای را به آنها بدهند. این جدلها مسلما زیر پای آنها را جارو میکند و موجبات نگرانی، واهمه، تزلزل و تلاشی بخشهایی از قدرت حاکمه را فراهم میآورد.

آنها بار و بندیل خویش را برای روز فرار از هم اکنون میبندند و به فکر چاره برای زندگی در گوشه دنجی در استرالیا، آمریکا و یا کانادا میافتند.

کنگره ما در شرایطی تشکیل شد که مبارزه کارگران، آموزگاران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان، فرهنگیان، روزنامه نگاران، روشنفکران و نویسندگان بتدریج از زیر تنه سنگین "اصلاح طلبی" خاتمی بدر میآید و آنها می بینند که کوچکترین تغییر اساسی که موجودیت نظام را به خطر اندازد مورد تأیید آنها نیست و منتقدین با شدیدترین وضعی مجازات میشوند.

کنگره در شرایطی تشکیل شد که رژیم جمهوری اسلامی در پی انعقاد قراردادهای اسارت آور با امپریالیستها به ضرر خلقهای ایران است. آنها منافع آتی کشور ما را در پای منافع آتی رژیم جمهوری اسلامی قربانی میکنند.

چنین شرایطی استثنائی و پر مسئولیت وظایف

مهمی را در مقابل کنگره قرار میداد.

کنگره میبایست مواضع طبقاتی و آرایش سیاسی خود را بر اساس همین اوضاع و دستاوردهای حزبی تحکیم کرده و مبارزه سازمانیافته حزبی ما را در مصاف های آتی تقویت نماید.

کنگره میبایست مسایل جاری ایران و جهان را بررسی و در حد توان خود جهت تحولات احتمالی آینده را محاسبه نموده بر اساس آن برنامه ریزی کند.

کنگره میبایست تاکتیکهای حزبی را به تناسب رشد روز افزون جنبش کارگری در قبال سرمایه داری، به تناسب برآمد نیرومند خیزشهای ملی خلقهای و مبارزات مردم ایران در قبال ارتجاع و امپریالیسم تنقیق کند.

کنگره میبایست بیان کار دوره منقضی را در تمام سطوح داوری کرده و با توجه به نقاط قوت و ضعف آن مسیر حرکت آتی را ترسیم نماید. و کنگره با آگاهی به این وظیفه دشوار به کار خود آغاز کرد.

سومین کنگره حزب کار ایران (توفان) کار خود را با یاد رفیق احمد قاسمی (صدر افتخاری حزب ما) به یاد صدها قربانی کمونیست و انقلابی از دوران پادشاهی، پدر و پسر و دهها جانبخته توفانی در دوران ستمشاهی و استبداد رژیم جمهوری اسلامی آغاز کرد و بخاطر تجدید عهد با یاران و جانبخته گان حزبی- رفقانی که در مسیر تحقق اهداف حزبی جهت از میان بردن استعمار و استثمار و نابودی نظام ففر آفرین سرمایه داری در جغرافیای سیاسی ایران مرگ را تحقیر کرده و در نبردی بغایت نابرابر در قبال ارتجاع بومی و جهانی قد برافراشته بخاک افتادند - و به احترام تمام دلآورانی که در راه خلق ایران تا پای جان در برابر دشمنان مردم ایستادند کلیه نمایندگان حاضر در کنگره سوم بپا خاسته و یک دقیقه سکوت اختیار کردند. حزب ما حافظه نیرومندی دارد و یاد رفیقانش را با احساس مسئولیت کمونیستی و نه تشریفاتی زنده نگاه میدارد.

سومین کنگره حزب ما بعد از استماع گزارش مشروح سیاسی هیات مرکزی و بررسی نکات آن در سطوح مختلف صحت دریافتهای هیات مرکزی از اوضاع و احوال ایران و جهان را مورد تأیید قرار داد. تحلیل طبقاتی هیات مرکزی در باره ایران، در باره ترکیب رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و تضاد آشکار آن با مطالبات فوری خلق و منافع استراتژیک کارگران و زحمتکشان ایران، در باره سلطه جوئی امپریالیسم آمریکا، جنگ و ویرانگری و سنیز دول امپریالیستی، سلاطین مالی- صنعتی بر سر تقسیم جهان، در باره تضاد امپریالیستها خاصه آمریکایی و اروپائی بر سر واحد پول جهانی (دلار و یورو)، بر سر تسلط بر بازارهای شرق، بر سر مهار سازمان تجارت جهانی و سازمان ملل متحد، بر سر مسایل قضائی و کیفری و... را صحیح ارزیابی کرد و از اقدامات به عمل آمده جهت تحکیم موازین مارکسیسم لنینیسم و افزایش اعتبار سیاسی و ایدئولوژیک حزب ما در اوضاع و احوال کنونی قدردانی کرد... حزب ما تحولات جاری جهان را زیر نظر گرفته و نسبت به موضوع مبارزه طبقاتی در هر مرحله حضور ذهن دارد...

سومین کنگره حزب ما با شادباشهای انقلابی

احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست روبرو شد. دهها پیام همبستگی احزاب برادر از آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکای لاتین، پیام ویژه کفرانس جهانی احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست جهان و قرانت پیامهای رسیده حاکی است که حزب ما در اجرای تعهدات بین المللی خود موفق بوده، با قوت پرچم رهایی خلقها در قبال ارتجاع و امپریالیسم، درفش پیروزی طبقه کارگر را در قبضه خویش دارد. حزب ما با به دانش مارکسیسم-لنینیسم مسلح است و به این اعتبار در میان نیروهای بالنده جهان جای دارد. این پیامها حاکی از همبستگی جهانی هواداران راه آزادی طبقه کارگر است که انترناسیونالیسم پرولتری را به جای شونیسم ملی و کسمولپلنتیسم (جهان وطنی) ارتجاعی تبلیغ میکند. این پیامها نشان میدهد که حزب ما حزب کمونیستهای میرا از شونیسم، تنگ نظریهای ملی و محلی بوده و مصلحت مبارزه طبقاتی و انقلاب پرولتری را بالاتر و والا تر از هر امری میداند و باین اعتبار این همبستگی بین المللی را چون بند محکمی بر سراسر کره خاک میافکند.

سومین کنگره حزب ما در ارتباط با مسئله ملی، تاسیسات انرژی اتمی و خیانت ملی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، مسئله نفت، اشغال کشور مستقل عراق توسط امپریالیست آمریکا و متحدانش، اشغال خاک فلسطین توسط ارتش اشغالگر صهیونیستی اسرائیل بخاطر آزادی و استقلال دولتی قطعنامه صادر کرد و برای کارگران و زحمتکشان ایران، زنان و جوانان دلآور ایران، همه زندانیان سیاسی ایران و خانواده های جانبخته گان و زندانیان توفانی پیام همبستگی فرستاد. حزب ما وارث تمام سنتهای انقلابی گذشته پر افتخار جنبش کمونیستی ایران از زمان "حزب کمونیست ایران" تا کنون است. حزب ما در قالب رفقا امیرخیزی، قاسمی، فروتن و سغالی مظهر وحدت دورههای مختلف این تحولات جنبش کمونیستی ایران از "حزب کمونیست ایران"، گروه ۵۳ نفر، "حزب توده ایران" در دورانی که انقلابی بود و "سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان" است. حزب ما از مبارزات اجتماعی کارگران و زحمتکشان در قبال سرمایه داری برای نیل به سوسیالیسم، از قیامهای ملی خلقها در قبال امپریالیسم برای دست یابی به آزادی و استقلال دفاع میکند.

سومین کنگره حزب ما مثل همیشه بر لزوم پاکیزه گی مارکسیسم لنینیسم اصرا و ورزید، بر لزوم وحدت ایدئولوژیک حزب تاکید کرد، بر اهمیت مبارزه سازمانیافته حزبی انگتگت گذاشت و رهبری حزب کار ایران (توفان) در مبارزات ضد رژیم و ضد امپریالیستی مردم ایران را در اوضاع و احوال کنونی جهت تضمین پیروزی بیش از پیش ضروری خواند. حزب ما برای تدارک یک انقلاب ساختاری و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیسم در جغرافیای سیاسی ایران میرزمد.

سومین کنگره حزب ما پس از رسیدگی به تمام کارهای محوله، اتخاذ تصمیمات لازم و گزینش مجدد هیات مرکزی برای یک دوره جدید، اختیار اجرای تصمیمات و مصوبات خود را به آنها واگذار کرد. در پایان ریاست کنگره از کلیه نمایندگان در خواست... بقیه در صفحه ۳

سَرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

کنگره سوم حزب کار...

کرد تا یکبار دیگر بیا خیزند. در این جا بود که سرود کمونیستهای جهان، سرود انترناسیونال توسط نمایندگان کنگره خوانده شد و کنگره با تجدید عهد رفقا برای مبارزه بی امان با سرمایه داری، امپریالیسم و دفاع از پاکیزه گی مارکسیسم و لنینیسم به کار چند روزه خود با موفقیت و روحیه شاد و سرشار از مبارزه و امید پایان داد.

حزب کار ایران (توفان) بتدریج گزارش سیاسی، قطعنامه و پیامهای کنگره را در نشریه "توفان" درج خواهد کرد.

بیانیه حزب کار ایران...

برای مردم جنگ زده کشورش سالها پس از خاتمه جنگ ایران و عراق بسازد، رژیم که یکسال پس از زلزله بم مردم بم را در چادرها نگاهداشته است چگونه بیکباره چنین معمار خوبی از کار در آمده است؟

این گروه کر ارتجاع و امپریالیسم مدعی است که ایران در اوضاع عراق دخالت میکند و مسبب همه بدبختیهای مردم عراق است. فریاد یا دخالتا! گوش فلک را کر کرده است. حال از کلاشی و تبلیغات بگذریم و به عقل سالم رجوع کنیم.

حال عقل سالم را به کار اندازیم و ببینیم که در عراق چه میگذرد.

امپریالیست آمریکا به کشور مستقل عراق علیرغم مخالفت سازمان ملل متحد و انزجار ملت‌های جهان از این جنایت تاریخی، با جعل سند و دروغ حمله کرده است. تا کنون ۱۲۰ هزار نفر از این مردم شیعه و سنی و مذهبی و غیر مذهبی، کرد و عرب را کشته است. زندانها و شکنجه خانه‌هایش روی تمام دوران دیکتاتوری صدام حسین را سفید کرده است. این امپریالیست نزدیک دو سال پس از تجاوز استعماری به عراق جرات ندارد صدام حسین را که وی را اسیر جنگی میخواند حتی در یک دادگاه علنی دست نشانده و تعلیم یافته محاکمه کند زیرا از ریختن آبروی خویش میهراسد. این امپریالیست همه منابع روی زمینی و زیرزمینی مردم عراق را غارت میکند. استقلال این کشور را از بین برده و اقوام عجوج مروج مسیحی نوع آمریکائی را برای جاسوسی و "رستگاری" و "امور خیریه" بدون روانید به عراق گسیل داشته و مرزهای عراق را برای ورود تروریستهای صهیونیست و جاسوسان "موساد" باز گذاشته است که تا می‌توانند در انتخابات عراق دخالت کنند. شهر فلوجه را بر خلاف همه موازین انسانی و حقوقی و بین المللی با خاک یکسان کرده است و میخواد شهرهای دیگر عراق را نیز با خاک یکسان کند. حتی اعلام میکند انتخابات را در شهرهایی برگزار میکند که خطر مزاحمت کمتر باشد. یعنی اصل انتخابات همگانی را نیز قبول ندارد. رژیمی که در این کشور بر سر کار است رژیم دست پرورده و دست نشانده آمریکاست و کوچکترین علاقه‌ای به سرنوشت مردم عراق ندارد. ایاد علاوی و آن دیگری که لباس عربی میپوشد و در آمریکا تحصیلات عالی لازم را دیده است جاسوسان امپریالیست آمریکا هستند این را هر عراقی میدانند. کشور عراق اشغال شده است. فقط ۱۳۰ هزار نفر سرباز استعماری آمریکائی در این

کشور حضور دارند. بیست هزار نفر مزدوران شرکتهای امنیتی و حفاظتی آمریکائی و سربازان سایر امپریالیستهای ریز و درشت و حکومت‌های ارتجاعی را نیز باید به آنها اضافه کرد. در چنین شرایطی میخوانند در این کشور عراق نمایش انتخابات "آزاد" برگزار کنند. احزاب هوادار اشغال عراق توسط آمریکا حاضرند برای تحکیم اسارت ملت‌های عراق در این انتخابات فرمایشی شرکت کنند و ادامه اشغال کشورشان را به رسمیت بشناسند.

عقل سالم میگوید هرگونه انتخاباتی در شرایط اشغال خارجی، بی اعتبار و مخدوش است و نمیتواند به یک حکومت دست نشانده مشروعیت بخشد.

عقل سالم میگوید که وضعیت کنونی عراق محصول تجاوز استعمار و امپریالیسم به عراق است، محصول نقض همه قوانین و موازین بین المللی و انسانی و حقوق بشر و حقوق ملل و... است.

عقل سالم میگوید که نیروهای دخالتگر در عراق کسانی هستند که به زور اسلحه و بدون موافقت مردم عراق به داخل خاک این کشور آمده و مردمش را میکشند و منابعش را غارت میکنند و رژیم دست نشانده‌ای را بر مسند امور میگذارند تا بر تجاوز و غارت این مردم مهر تأیید بزند و حاضر نیستند خاک این کشور را ترک کنند.

آنچه را که عقل سالم میگوید امپریالیست‌ها و نوکران و چاکران و نابینایان سیاسی واژگونه جلوه میدهند. بنظر آنها رژیم جمهوری اسلامی مسبب اوضاع آشفته و هرج و مرج در عراق است. برای کسانی که آب دروغ از سرشان گذشته است چه فرق میکند که دروغ دیگری نیز بر کوه دروغهای خود بیفزایند.

آنها میخوانند با حمله به جمهوری بی آبروی اسلامی با توجه به نفرتی که مردم ایران و جهان از آن دارند، پرده استتاری بر جنایات آمریکا و تجاوز یک نیروی استعمارگر بکشند. آنها زبان استعمار در منطقه هستند.

گر چه رژیم جمهوری اسلامی از زمره کثیفترین و خونخوارترین رژیم های جهان است لیکن دلیلی نمیشود تا تجاوز امپریالیست آمریکا به عراق توجیه گردد و انتخابات فرمایشی یک رژیم دست نشانده استعمار مورد تأیید قرار گیرد. جای علت و معلول را نمیشود تعویض کرد. دخالتگر در اوضاع عراق که مسبب این نابسامانیهاست قوای اشغالگر خارجی است. ترک خاک عراق توسط این آذوران بین المللی آرامش را به این کشور باز میگرداند.

سناتور لوچر آمریکائی که تا به حد این نیروهای ایرانی بی شرم نیست مصاحبه‌ای انجام داده که در آن منظور از برگزاری انتخابات قلابی در عراق را با زبان دیپلماتیک بیان داشته است.

سناتور لوچر رئیس کمیته امور خارجه سنای آمریکا در مصاحبه با مجله معتبر آلمانی اشپیگل در شماره ۲۷ دسامبر ۲۰۰۴ در مورد انتخابات عراق که باید در آخر ماه ژانویه ۲۰۰۵ برگزار شود در پاسخ به پرسش مجله اشپیگل که میپرسد: "آیا شما واقعا به افرادی نظیر علاوی و یارانش خوشبین هستید" پاسخ میدهد: "... همه احزاب در عراق می بینند که وضعیت عالی نیست. برخی می گویند که انتخابات باید تا بهبود امنیت به عقب بیفتد. ولی هیچ کس نمی داند کی

چنین روزی خواهد رسید. یک حکومت مشروع هم اکنون مهم تر از یک انتخابات صد در صد بی عیب و نقص است". (تکیه از توفان).

این آقای سناتور میداند که وضع عالی نیست و عالی هم نخواهد شد و برایش مهم نیز نیست که این انتخابات بی عیب و نقص باشد و بی کم و کاست برگزار شود. چون بهر صورت نفس انتخابات در کشوری اشغالی به زیر سؤال است. تکیه بعد از انتخابات بر عیب و نقص کار را به رسوائی میکشاند. از کجای مسئله، این عیب و نقص آغاز شده و تا به کجا ادامه خواهد داشت؟ پس نباید تکیه را بر کم و کاست گذاشت. باید این نقص را از هم اکنون کمرنگ کرد، بی اهمیت جلوه داد، افکار را برای پذیرش تقلب و جعل و خالی بودن مراکز رای گیری و حکومت نظامی و... آماده ساخت. باید از هم اکنون اعلام کرد که انتخابات دارای کم و کاست است. قلابی است، باید بر منتقدین پیشدستی کرد و این اسلحه را از دست آنها بدر آورد که نتوانند بر قلابی بودن انتخابات بعنوان ابتکار و کشف خودشان تکیه کنند. اگر از بدو امر ابتکار بیان قلابی بودن انتخابات در دست امپریالیست و نوکران بومی اش بماند نقش تبلیغاتی مخالفین کاهش مییابد. هر چه باشد خود برگزار کنندگان انتخابات از همان بدو امر صمیمانه گفته‌اند که انتخابات قلابی است. لذا تکیه منتقدین بر قلابی بودن انتخابات

تکرار امر جدیدی نیست تکرار حرف مجریان انتخابات است. روشن است که امپریالیست‌های آمریکا و رژیم دست نشانده استعمار بهتر از هر کسی میدانند که این انتخابات سرایا نقص است. برای آنها ولی مهم آن است که به یک رژیم دست نشانده "مشروعیت" ببخشند تا منتقدین نتوانند مدعی شوند که این رژیم دست نشانده پل برمر و نماینده استعمار است. آنها بیک اسلحه تبلیغاتی برای از زیر بار فشار سیاسی در آمدن نیاز دارند. به حکومتی دست نشانده نیاز دارند که آنها را با رنگ "دموکراسی" آغشته باشند تا بتوانند آنها را بهتر در عرصه جهانی بفروشند و مردم جهان را فریب دهند. حال این حکومت "مشروع" از استعمار تقاضا میکند که در عراق تا زمانی که علاقه دارد بماند. عراق را منزل خودش تصور کند، لطف کرده تشریف داشته باشد. سناتور آمریکائی از پیش به قلابی بودن انتخابات معترف است ولی نوکران ایرانی همین سناتور احترام اربابشان را نیز ندارند.

سخنگوی کاخ سفید حتی از این نیز پیشتر رفته و ماهیت این "نقص" را روشنتر بیان داشته است. وی در روز پنجشنبه ۱۳ ژانویه ۲۰۰۵ اعلام کرد که به علت وضعیت امنیتی در عراق انتخابات با نواقصی همراه است یعنی همه مردم نمیتوانند در روز ۳۰ ژانویه در انتخابات شرکت کنند.

سخنگوی جرج بوش اسکات مک کلیلان Scott Mc Clellan اعتراف کرد که "بر سر راه دموکراتیزه کردن عراق مشکلاتی پیش آمده است".

"توماس متس" Thomas Metz فرمانده پیاده نظام آمریکا در تأیید سخنان سیاستمداران آمریکائی اعتراف کرد که "وضعیت امنیتی در ۴ منطقه از ۱۸ منطقه مسئله برانگیز است، در این مناطق ۲۵ در صد مردم زندگی میکنند". بر اساس اطلاعاتی کاخ... بقیه در صفحه ۴

پشتیبانی از اشغال عراق و ارتش اشغالگر حمایت از استعمار است

بیانیه حزب کار ایران...

سفید ۱۴ در صد از ۲۶ درصد واجدین شرایط انتخاباتی نام خویش را به ثبت رسانده‌اند. حتی اگر از این دروغ آمریکائی‌ها که امری طبیعی است صرف نظر کنیم ۱۲ در صد واجدین شرایط انتخاباتی به ثبت نام خویش اقدام نکرده‌اند. و در عین حال مسئله "دموکراتیزه" کردن عراق نیز مقدر نیست و مردم عراق باید با همین رژیم دست نشانده آمریکا سر کنند. حقایق ولی نشان می‌دهند که مردم عراق به جز خود فروختگان، این انتخابات قلابی را تحریم کرده‌اند. در تمام بغداد یک آگاهی تبلیغات انتخاباتی سالم به چشم نمی‌خورد. مردم همه عکسهای نامزدهای قلابی و خود فروخته استعمار را پاره کرده‌اند.

کیهان لندن ارگان سیاسی سلطنت طلبان و زبان فارسی وزارت جنگ آمریکا در شماره ۱۰۳۵ مورخ ۱۹ آذر ۱۳۸۳ خود تعریف معیوبی از دموکراسی کرده‌است که ما عیناً آنرا نقل می‌کنیم. "مراجعه به آراء مردم برای تعیین سرنوشت کشور، شعار معقول و دنیا پسندی است برای آنکه محور مبارزه و نقطه اتصال گروههای مختلف قرارگیرد. هیچکس و هیچ گروهی این شعار را، که اولین حرف دموکراسی است، به نام خود ثبت نکرده‌است."

ما در این جا قصد نداریم به یک بحث علمی در مورد ماهیت دموکراسی و درک کیهان لندن از دموکراسی و تفاسیر مصلحتی آن بر اساس زمان و مکان بپردازیم. حزب ما در این باره بارها در ارگان خود نظریات خویش را بیان داشته‌است. قصد ما از ذکر این نقل قول آن است که به خوانندگان نشان دهیم که سلطنت طلبان ایرانی و عمال امپریالیسم و ارتجاع در ایران تا به چه حد به آنچه می‌گویند واقعا اعتقاد دارند. و تا به چه حد حداقل به نظریات خود احترام می‌گذارند و تا به چه حد مردم را احق تصور کرده و مترصدند از آنها سواری بگیرند.

آنها علیرغم این کلمات بی پشتوانه که ذکر آن رفت، حاضر نیستند چنانچه در عراق در چارچوب همین انتخابات قلابی رژیم هوادار جمهوری اسلامی با اکثریت آراء مردم عراق بر سر کار آید آنرا به رسمیت بشناسند. این نظر، فقط نظر کیهان لندن نیست شاه اردن نیز علیرغم همه تدارکاتی که برای دخالت در امر انتخابات عراق دیده‌است از همین امر نگران است. پس تکیه به "آراء عمومی و رای اکثریت" که مرتب از آن سخن می‌گویند فقط حرف مفت و برای مردم فریبی است.

ملک عبدالله شاه اردنی بنا به اظهارات کیهان لندن مورخ ۱۷ دیماه ۱۳۸۳ اظهار داشته‌است: "چندی قبل نسبت به احتمال پیروزی شیعیان در انتخابات عراق ابراز نگرانی کرده و گفته بود در صورت پیروزی شیعیان در عراق ممکن است تعادل سیاسی در منطقه بهم بخورد."

کیهان لندنی سپس می‌افزاید:

"وی در عین حال مدعی شده بود ایران جمع کثیری را روانه عراق کرده تا در انتخابات به نفع شیعیان شرکت یا دخالت کنند."

نشریه نامبرده ادامه می‌دهد: "در این میان وزیر امور خارجه اردن گفت: "کشور ما هرگز در قبال هرگونه دخالت ایران در امور عراق سکوت نخواهد کرد و ایران اگر میتواند دلایل خود را در رد گفته‌های مقامات اردن ارائه

کند" (تکیه از توفان).

استدلال مضحکی است. این ادعا از جانب شاه اردن وارد شده‌است و عقل سلیم حکم میکند که این ادعا با سند و مدرک همراه باشد در غیر این صورت این امر فقط یک تهمت بی‌شماره‌ای بیش نخواهد بود. این ایران نیست که باید بیگانه‌های خویش را ثابت کند، این شاه اردن است که باید گناهکار بودن ایران را به اثبات برساند. البته چه ایرادی به حکام عراق و اردن میتوان گرفت آنها در این جا درک خود را از مسئله قضاوت به نمایش گذارده‌اند، عقل آنها بیش از این قد نمیدهد. آنها نشان داده‌اند که دیکتاتورهای در امر قضاوت هستند که اصل را نه بر برائت بلکه بر معصیت می‌گذارند و هر شهروندی عادی از نظر آنها بالقوه گناهکار است و باید اسناد بیگانه‌های خویش را همراه با خود حمل کند. ایراد اتهام و تهمت ظاهرا در این ممالک امری عادی و بخشی از زندگی آنهاست و در فرهنگ آنها این مفاهیم وجود ندارد. این دقیقا همان سیاستی است که جمهوری اسلامی و یا هر حکومت مذهبی به‌اجراء می‌گذارد و ما ایرانیها آنرا با گوشت و پوست خود حس کرده‌ایم. و حال این سخنان را بیشتر تشریح کنیم.

کیهان لندنی شرم کرده‌است بنویسد که شاه اردنی نه از "جمع کثیری" ایرانی بلکه از یک میلیون نفر سخن گفته‌است و دروغش آنقدر بزرگ بوده که حتی متحد طبعیش کیهان لندنی برای فریب افکار عمومی آنرا سانسور کرده‌است. زیرا روشن است که عبور دادن یک میلیون ایرانی شیعه از مرز و گسیل آنها به شهرهای عراق امری نیست که از دید کسی پنهان بماند. حتی در تمام طول جنگ هشت ساله تعداد افراد ارتش ایران به یک میلیون نفر در جبهه‌ها نرسید. مگر عملیات تامینی و تدارکاتی برای یک میلیون نفر کار ساده‌ایست؟ ولی مردم فریبان را با حقیقت خویشاوندی نیست. مگر اربابشان جرج بوش دروغگو نبود که ما از نوکران آنها انتظار راستگویی داشته باشیم. کیهان لندنی نیز مانند شاه اردن از پیروزی شیعیان در عراق "نگران" است. حقیقتا اگر کسی به تعاریف دموکراسی خویش اعتقادی داشته باشد و احترام سخنان چند لحظه قبل خویش را نگهدارد نباید از اینکه شیعیان در یک "انتخابات آزاد" به اکثریت آراء دست بیابند ناراحت باشد. مگر اینکه نتایج انتخابات را فقط زمانی برسمیت بشناسد که مطابق میل خودش باشد. دقیقا همان منطقی که محمد رضا شاه با آن در ایران حکومت میکرد و شاه اردنی با آن در اردن دیکتاتوری، حکومت میکند.

در همان نشریه در حمایت از شاه اردن قلم‌بست مزدوری مینویسد: "ملک عبدالله پادشاه اردن که خود هاشمی است و قاعدتا نباید از دستیابی شیعیان علی به حقوق حقه شان نگران باشد، ضمن هشدار دادن به اینکه جمهوری ولایت فقیه در صدد برپائی یک هلال شیعی از تهران تا بیروت است، به شدت از پیامدهای انتخابات عراق نگران است. حق هم دارد. دستگاههای امنیتی و نظامی ولی فقیه با هزینه کردن میلیونها دلار حال که نتوانسته‌اند با سلاح تروریسم حرکت به سوی یک عراق سکولار فدرال دمکرات را متوقف کنند، عوامل خود را بسیج کرده‌اند که به جمعی خاص رای دهند تا شبه دولتی شیعه با کارگزاری کسانی چون عبدالعزیز

حکیم و احمد چلبی (از چه موقع احمد الشلیبی آخ شده‌است توفان) و حاج حسین شامی سر کار آید،

شگفتا! این عناصر فاسدی که رژیم جمهوری اسلامی می‌خواهد با زور پول و رای بر سر کار آورد هم اکنون در دولت عراق با یاری آمریکا شرکت دارند و متحد ایاد علاوی و عجیل الیاور به حساب می‌آیند. نویسنده مزدور کیهان لندنی که هم می‌خواهد از توپره بخورد و هم از آخور فراموش میکند این واقعیت را برای مردم بازگو کند، زیرا آنوقت ماهیت رژیم دست نشانده کنونی عراق به زیر پرسش میرود. همه این شیعیانی که آنها را آدمخوار و نوکر ولی فقیه میدانند هم‌دست آمریکا و هوادار برگزاری انتخابات قلابی در عراق هستند.

از این گذشته کاسبکارانی از این زمره باید قدری حساب پول در دستشان باشد. اگر رژیم جمهوری اسلامی چندین غازی برای تقویت عملش خرج کند جای سیل میلیونی کمکهای امپریالیستها و سرمایه داران مرتجع عرب نظیر شیخ کویت را هرگز نمی‌گیرد. چگونه‌است که خرج میلیونها دلار آمریکائی برای برگزاری یک انتخابات فرمایشی دخالت در امور عراق نیست؟ نفس وجود حکومت دست نشانده آمریکا در عراق بهترین سند دخالت رذیلانه امپریالیسم در عراق است. آنها که فریادشان از فعل دخالت به آسمان بلند است گویا چشم بصیرتی برای دیدن دخالت‌های استعمار در عراق را ندارند.

آقای غازی عجیل الیاور که فقط نامش عربی است و بیاری سازمان "سپا"ی آمریکا به ریاست جمهوری انتصابی پل برمر مامور استعماری آمریکا در عراق انتخاب شده‌است در مصاحبه با روزنامه واشنگتن پست گفت: "ایران برای نفوذ در انتخابات عراق تلاش میکند"، وی مدعی شد: "متأسفانه زمان و شرایط اثبات میکند که بدون شک ایران در امور ما دخالتی آشکار دارد و این کار را از طریق ارسال مبالغ زیادی پول، انجام فعالیتهای جاسوسی و تقریبا دخالت روزانه در بسیاری از مناطق به ویژه در جنوب شرقی عراق انجام میدهد."

وی که حساب پولهای ایران را دارد که مسلما برای کسب امتیازات بیشتر در عراق اعمال نفوذ میکند در مورد دخالت آشکار و افسار گسیخته آمریکا که ۱۲۰ هزار عراقی را تا کنون کشته و شهرهای زیادی را با خاک یکسان کرده‌است سکوت میکند. این سکوت وی انسان را به فکر وا میدارد که نباشد ایشان مامور اجنبی باشد.

در این جنگ تبلیغاتی متأسفانه بیکباره سر و کله مجاهدین خلق که تا دیروز نان و نمک صدام حسین را می‌خورد و با کردهای تجزیه طلب عراقی و ایاد علاوی و احمد الشلیبی و حزب الدعوه و سپاه بدر و عبدالرزاق حکیم و... می‌رزمید، پیدا شده که امروز با نمکدان شکنی خواستار آن است که دشمنان دیروز صدام حسین و مجاهدین خلق با برگزاری یک انتخابات تقلبی با حمایت امپریالیست آمریکا مشروعیت جهانی پیدا کنند و سرپناهی هم به مجاهدان در عراق بدهند. بیکباره صدام حسین بد و دشمنان صدام حسین خوب از کار درآمده‌اند. حقیقتا جرج بوش چه معجزاتی که نمیکند!

نشریه مجاهد مورخ ۱۴/۱۲/۲۰۰۴ شماره ۷۰۹ در سرمقاله خود تحت عنوان "رژیم آخوندی، بلعیدن... بقیه در صفحه ۵

ما خواهان خروج بی قید و شرط امپریالیست آمریکا از کشور عراق هستیم

بیانیه حزب کار ایران...

عراق و قلب يك مسأله استراتژيك، همان اعلام خطرهای کیهان لندنی را بزبان دیگری طرح کرد تو گوئی هر دوی این پدیدهها از منبع واحدی الهام میگیرند. آنها نوشتند: «درحالی که نزدیک شدن انتخابات عراق، این موضوع را کم کم در کانون مسائل سیاسی منطقه و جهان قرار می‌دهد، هفته گذشته رئیس جمهور عراق و پادشاه اردن، به طور مشترک، اعلام کردند که «تهدید انتخابات عراق را از سوی رژیم ایران می‌بینند». نکته مهم این است که آنها به طور مشترک تأکید کردند هدف رژیم آخوندی از اثر گذاری بر انتخابات عراق، تشکیل «يك دولت اسلامی» یا «يك جمهوری اسلامی» از نوع رژیم خمینی و «تحت سلطه» این رژیم است که اگر اتفاق بیفتد «تعادل ژئوپلیتیک را در منطقه به شدت جا به جا خواهد کرد».

باید پرسید که اگر این انتخابات قلابی نیست و مردم عراق آزادانه و بدون نظر ولایت فقیه جرج بوش در انتخابات شرکت میکنند چه اشکالی دارد که شیعیان اکثریت را کسب کنند؟ مگر قرار نیست رای اکثریت برسمیت شناخته شود؟ چه اشکالی دارد که مردم عراق در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک و انقلابی تعادل جغرافیای سیاسی منطقه را برهم زنند؟ چه اشکالی دارد که همه اکثریت مردم عراق یک نظام اسلامی انتخاب کنند؟ مگر قرار بر این نبود که در بازی دموکراسی حتی بنا بر تقاسیر شما از دموکراسی رای اکثریت را به رسمیت بشناسیم؟ پس بچه دلیل عدهای دبه بر آورده و جر میزنند؟ این چه اصولیتی است که میشود آنرا مانند لباس زیر هر روز و هر شب عوض کرد؟

مجاهد ادامه میدهد:
«اعلام رسمی حقایق سیاسی فوق‌الذکر از سوی رهبران عراق و اردن، با این وضوح و صراحت از يك تحول مهم و يك رویکرد روشن سیاسی نسبت به خطر مداخلهجویی رژیم آخوندی در عراق و ابعاد و پیامدهای آن برای کشورهای منطقه و جهان خبر می‌دهد. دو روز بعد وزیر خارجه عراق نیز در پارلمان این کشور گفت: «همه جا پر از دخالت رژیم ایران است» و «دخالت ایران به مثابه اختاپوسی با بازوان مختلف خود به دور گردن قربانی بیچیده است» (العراق الیوم ۱۹ آذر).

البته وقتی وزیر امور خارجه عراق یک عنصر دست نشانده باشد چشمش را بر دخالت آشکار آمریکا در عراق میبندد و حضور ارتش استعمار را که تا کنون ۱۲۰ هزار عراقی را کشته است نادیده میگیرد. وی بجای اینکه از ناپیشتانی سیاسی دست بکشد و اعلام کند «همه جا پر از دخالت خونین و ضد بشری امپریالیست آمریکاست» به فرعیات چسبیده و خرخره رژیم جمهوری اسلامی را برای توجیه استعمار امپریالیستی چسبیده است.

و نشریه مجاهد از این همه تحریف و دسیسه با افتخار یاد میکند. نشریه مجاهد که تا کنون نمک صدام حسین را میخورده است اصلاً به روی مبارک نمیآورد که کشور عراق مورد تجاوز قرار گرفته و اشغال است و رژیم حاکم در عراق یک رژیم دست نشانده امپریالیست است. نشریه مجاهد حتی یکبار نیز طرح نمیکند که قوای اشغالگر باید بدون هرگونه قید و شرطی از خاک

عراق خارج شود و به مردم عراق غرامت بپردازد. آنها هرگز از مبارزه مردم عراق بر علیه قوای اشغالگر حمایت نمیکند. برعکس آنها با امپریالیستهای آمریکایی در عراق همکاری میکنند. کسی که از اشغال عراق دفاع میکند نمیتواند مخالف اشغال ایران توسط آمریکا نباشد. کسیکه انتخابات قلابی در عراق را به رسمیت بشناسد نمیتواند هوادار انتخابات آزاد در ایران باشد. آن کس تنها آن انتخاباتی را برسمیت می‌شناسد که به مزاج وی خوش آید.

مجاهد ادامه میدهد:
«در همین روز، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد: واشنگتن نگران «نیات و فعالیت‌های رژیم ایران در ارتباط با مسائل داخلی عراق است و این نگرانی به دخالت در روند انتخاباتی نیز مربوط می‌شود».

البته همه مردم جهان نگران سرنوشت مردم عراق اند که جانشان در زیر تیغ تیز امپریالیست آمریکاست. همه از نیات شوم این امپریالیست در منطقه که آرامش آنرا بر هم زده است با خیرند. همه مردم جهان میدانند که در شرایط اشغال و حکومت نظامی هرگز نمیتوان به یک انتخابات آزاد دست زد. پس نگرانی آمریکا فقط از این بابت است که علیرغم همه تدارکی که چیده است از صندوق کسی سر بر آورد که مورد دلخواه او نیست. رژیم جمهوری اسلامی در این میان بهانه‌های شده است تا هر جنایتی را بتوان توجیه کرد.

مجاهد سپس می‌آورد:
«رهبران عراق و اردن، علاوه بر بیان «هدف سیاسی رژیم آخوندی» از مداخله در عراق، در مورد روشها، اشکال و دامنه این مداخلهجویی نیز شواهد و مستندات مهمی را خاطر نشان کرده‌اند. واشنگتن پست می‌نویسد: «رئیس جمهور عراق ایران را متهم کرد کاندیداها و احزاب سیاسی سمپاتیک با تهران را آموزش می‌دهد و «مقادیر عظیمی پول» به این کارزار سرازیر می‌کند تا يك دولت تحت سلطه شیعیان شبیه به ایران ایجاد کند. ملک عبدالله گفت: این منفعت مشخص ایران است که يك جمهوری اسلامی در عراق داشته باشد. بیانیید امیدوار باشیم که چنین چیزی رخ ندهد. اما طراحان استراتژیک در سراسر جهان باید از این احتمال آگاه باشند» (واشنگتن پست، ۱۸ آذر ۸۳). مضامین سیاسی و استراتژیکی بالا، درست یکسال پیش، یعنی در آذرماه ۸۲ تقریباً با همین کلمات و عبارات از سوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت اعلام شده بود. خانم رجوی، در ۲۳ آذر، در پیام به گردهمایی ایرانیان در لندن، «خطاب به همه دنیا» گفت: «از سوی مقاومتی که افشاگر منحصر به فرد پروژه‌های اتمی و تسلیحات ممنوعه کشتار جمعی رژیم آخوندها بوده است (تکیه‌از توفان است)، با صراحت از همین جا به دنیا اعلام می‌کنم که خطر روزافزون مداخلات و توطئه‌ها و تروریسم رژیم ملایان در عراق اکنون صدبار از خطر اتمی این رژیم بیشتر است. شورای ملی مقاومت ایران طی بیش از دو دهه، پیوسته نسبت به خطر صدور ارتجاع و بنیادگرایی و تروریسم، به مثابه اختاپوسی که سر آن در قم و تهران است هشدار داده است. ما از ۱۲ سال پیش بنیادگرایی تحت نام اسلام را تهدید اصلی جهانی در شرایط جدید بین‌المللی اعلام کردیم... امروز اما تأکید

می‌کنیم که آخوندهای حاکم بر ایران که شعارها و نعره‌های گوشخراشان در مورد «فتح قدس از طریق کربلا» را همه بیاد دارند، بار دیگر در عراق، که نزدیک به دو سوم جمعیت آن شیعیان هستند، فرصت را مغتتم یافته‌اند».

حقیقتاً ساده لوحی سیاسی است که اگر تصور کنیم رژیم دست نشانده اردن و یا کویت و یا مصر و عربستان سعودی در کنار آمریکا و اسرائیل در تلاش اعمال نفوذ در انتخابات عراق نیستند. طبیعی است آنها نیز مانند اربابشان مشغول پول خراج کردن هستند تا نتایج انتخابات قلابی را به سود خود بگردانند. در این گردونه حتی کیهان لندنی و مجاهدین خلق نیز همصدا شده‌اند. بر سر فتوای آیت الله سیستانی که مدعی است در سیاست دخالت نمیکند هم اکنون مشاجره و تضاد بزرگی مشهود است.

تهدید شاه‌اردنی که دنیا را از فاجعه پیروزی شیعیان در انتخابات عراق برحذر میدارد و آرزو میکند خدا چنان روزی را نیآورد، تهدیدی نیست که باید آنرا دست کم گرفت. از هم اکنون زرمه کشتار شیعه و سنی را امپریالیستها بر سر زبانها انداخته و در فکر تدارک آن هستند. وهابیون منطقه و شیوخ مرتجع عرب در پی آنند که در جنگ شیعه و سنی با قدرت مالی و تدارکاتی خویش شرکت کنند و از طرفی ایران را به یک جنگ فرسایشی بی سرانجام بکشاند و از جانب دیگر جهت مبارزه از ادبیخس مردم عراق را منحرف کرده و امپریالیست آمریکا و صهیونیستهای اسرائیل را از زیر ضربه‌ها بدر آورند. این یکی از احتمالات تحولات منطقه است که اندیشمندان دور اندیش امپریالیستی استراتژی آنرا مورد مطالعه قرار داده و گزارشات آنها کم و بیش در مطبوعات غربی بازتاب یافته است. جنگ شیعه و سنی که در اثر خرابکاری جمهوری اسلامی و شاه‌اردنی و شیوخ عربستان سعودی و کویت و مصر و امپریالیستها در میگیرد، شاید فرجی برای آمریکانها باشد که هم از زیر ضربه بدر آیند و هم حضور دائمی خویش را در منطقه و در عراق توجیه بکنند.

این وضعیت خطرناک را سیاستهای امپریالیست آمریکا در منطقه ایجاد کرده است.

راه پایان دادن به بحران منطقه خروج بی قید و شرط نیروهای استعمارگر خارجی و در درجه اول امپریالیست آمریکا از منطقه است. مردم عراق باید حق داشته باشند آزادانه سرنوشت خویش را به کف گیرند و آنها این شایستگی را دارند که بدون قیومیت آمریکا به این امر تحقق بخشند.

انتخابات مسخره باید تحریم گردد. مامورین امپریالیستها در عراق باید در یک دادگاه علنی محاکمه شوند و به سزای همدستی خود با امپریالیستها و مشارکت در کشتار ۱۲۰ هزار مردم برسند.

یک نکته دیگر نیز نباید ناگفته بماند. نوکران امپریالیستها و دنباله روان آنها مترصدند که استقرار جرج بوش را نوش جان کنند و با زبان وی در همه جا سخن بگویند. ما به این بیچاره‌ها هشدار میدهم تا فراموش نکنند که جرج بوش به اقتضای زمان میتواند ۱۸۰ درجه بچرخد و تا روز ۳۰ ژانویه چندین بار نظرش را عوض کند. ولی چنین چرخش ۱۸۰ درجه‌ای کمر مریدان امپریالیست... بقیه در صفحه ۶

مبارزه با تروریسم از مبارزه با امپریالیسم جدا نیست

در سختیها در کنار آنها قرار گیرند. این آزمایش بزرگ منبع اعتماد و تفاهم، سرچشمه احساس مسئولیت و فداکاری است. حزب ما به چنین کمونیست‌هایی نیاز دارد.

رفیق ع. آلمان ۱۰۰ یورو
رفیق ف. ا. و همسرش آلمان ۱۵۰ یورو
زمانی آلمان ۳۵ یورو
کارگر آلمان ۱۰ یورو
زهره ۲۰ یورو
خانواده ارژنگ ۱۸۰ یورو
رفیق پیروز ملبورن استرالیا معادل ۳۰ یورو
رفیق خوش بخت سیدنی معادل ۶۰ یورو
رفیق سهند لندن معادل ۸۰ یورو
چریک لندن ۲۰ یورو
رفیق خرم بیرمنگام ۶۵ یورو
ا.م. اسپانیا ۲۰۰ یورو
ک.س. نورژ معادل ۱۵۰ یورو
از اویسالا سوئد معادل ۱۵۰ یورو
از استکهلم ۱۵۰ یورو
از پاریس ۳۰۰ یورو
از آمستردام ۲۵۰ یورو
از بلژیک ۵۰ یورو

حزب بلشویک و ...

ستم ملی می‌گردد.
آن اندازه ای هم که رفع تعدی ملی در جامعه سرمایه داری انجام پذیر است، در یک رژیم دموکراسی استوار و عقیده دار است که برابری حقوق کامل همه ملل و تساوی زبانها را تامین کند.

حق همه ملت‌هایی که جزء روسیه هستند برای جدائی آزادانه و تشکیل دولت مستقل باید شناخته شود. انکار چنین حقی و عدم اتخاذ تدابیری که عملاً انجام پذیر بودن آنها را تامین نماید همانند پشتیبانی از سیاست الحاقی می‌باشد. تنها شناخته شدن حق ملل برای جدا شدن از طرف پرولتاریا است که همبستگی کامل کارگران ملل گوناگون را تامین نموده و به نزدیکی ملت‌ها که جنبه دموکراسی حقیقی داشته باشد یاری میرساند...

مسئله حق ملل را برای جدائی آزادانه، نمیتوان با مسئله صلاح بودن یا نبودن جدائی این و یا آن ملت در این و یا در آن موقع، مخلوط کرد. این آخرین مسئله را حزب پرولتاریا باید در هر مورد جداگانه، بطور کاملاً مستقل، از نقطه نظر منافع رشد جامعه و مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای سوسیالیسم فیصل دهد.

حزب خواستار خود مختاری وسیع استانیها، الغای نظارت از بالا، الغای زبان اجباری دولتی و تعیین حدود استانیهای خود مختار است، بر اساس اینکه اهالی خود اهالی بومی شرایط اقتصادی و طرز زیست و ترکیب ملی اهالی و غیره را در نظر بگیرند.

حزب پرولتاریا آنچه را که باصطلاح “خود مختاری فرهنگی و ملی” نامیده میشود، یعنی خارج کردن آموزشگاهها از اختیار دولت و دادن آنها بدست یک نوع انجمنهای ملی و مانند آن راه، بطور قطع رد میکند، کارگرانی که در یکجا بسر میبرند و حتی در یک بنگاه کار میکنند بر حسب تعلقاتشان بیکی از این “فرهنگهای ملی” بوسیله این خود مختاری

فرهنگی ملی ... بقیه در صفحه ۷

شمرده. مسئول مرگ این مردم در صورت وقوع زلزله چه کسی است. صدور جواز ساختمان برای این برجها در تهران جنایت است و باید مسئولین آنرا محاکمه نمود.

حزب کار ایران (توفان) با احساس عمیق دوستی که اعضایش نسبت به مردم میهن خود دارند فوراً بیانیه ای به زبانهای فارسی و خارجی برای جمع آوری کمک تهیه و توزیع کرد. رفقای ما در محل وقوع حادثه در شهر بم حاضر شدند و مرکزیت حزب را مرتباً در جریان تحولات آن قرار دادند. همانها بودند که میگفتند عمل کثیف رژیم مانع میشوند تا سگهای “تجس” تربیت شده اروپائینا به جستجوی مجروحین و یا مصدومین زلزله بپردازند، همانها بودند که میگفتند این گرازها و گرگهای مسلمان مانع یاری تیمهای بین المللی و داوطلبان بومی بودند تا وارد شهر شوند زیرا خطر آن موجود بود که با اجساد لخت زنان و موهای بی روسری آنها مواجه شوند، غریز مردانه آنها تحریک شود و عرش الهی به لرزه در آید. بر این همه سعیبت حیوانی چه نامی میتوان نهاد و آنرا با که توان در میان گذاشت. رژیم جمهوری اسلامی رعایت حجاب مرده گان را بجا آورد و به رغبتباری حال زنده گان لبخند تمسخر زد.

حزب ما دستور داد که رفقای حزبی به جمع آوری کمک مالی، دارویی و پوشاکی بپردازند. هر جا این امکان مستقیماً موجود است بنام حزب و هر جا سایر نیروهای دموکرات و انقلابی و میهنپرست ایرانی نیز بسیج شده اند با همکاری آنها این کار را به پیش برند. حزب که مبتکر این حرکت در میان اپوزیسیون ایران بود مفتخر است که این کار را با سربلندی به انجام رسانده است. ما نه تنها موفق شدیم بطور مستقیم دارو به ایران ارسال کنیم و بخشی از آنرا در بیمارستانها توزیع کرده و بخش بزرگتر آنرا در اختیار هلال احمر ایران بگذاریم، نه تنها موفق شدیم با کامیون پوشاک و کمکهای ضروری را به ایران بفرستیم قادر شدیم هزاران یورو با همکاری با سایر گروهها و هزاران یورو بطور مستقیم در ایران توزیع کنیم. نخستین کمک مالی در بیمارستانها توزیع شد و مساعدت مالی بعدی مستقیماً به خانواده ای بخشیده شد که صد نفر از بستگان خود را از دست داده بودند و سرپرستی کودکانی را بعهده داشتند. برای ما مهم آن بود که این کمکها به ایران برسد و حتی اگر بخشی از آنها نیز به دست نیازمندان میرسد هدف ما برآورده شده بود. برای ما طرح نام حزب مطرح نبود، جان مردم مطرح بود و در این راه در حد توان خویش فهرست کمکهای مالی به زلزله بم را در گذشته فهرست عمل کردیم. ما در نشریه “توفان” درج کردیم و اکنون یکسال بعد از آن که رفقا با گزارش آن کار روبرو هستند مابقی کمکها را نقل میکنیم که مدتهاست بدست قربانیان زلزله رسیده اند.

رفقا! این ابتکار حزب از اعتقاد ما بر میخیزد، ما به مردم میهن خویش علاقمندیم و برای بهبود شرایط زندگی آنها مبارزه میکنیم. ما میخواهیم جامعه ای بنا کنیم که در آن نه زلزله‌های اجتماعی و نه زلزله‌های طبیعی به این مردم و این کشور صدمه ای نزنند. ما در عین حال به رفقای حزبی و به کمونیستهای آموزش میدهم که همواره به مردم کشورشان و به ویژه به زحمتکشان بیاندیشند هر لحظه آماده باشند که

بیانیه حزب کار ایران...

آمریکا را خورد خواهد کرد. اگر آنها کمی آینده نگری داشته باشند تا به این حد چاکری و نوکری و دستیوسی از جرج بوش را به نمایش نمیکذارند. بدا به حال نوکران.

یکسال بعداز...

کش بروند از طرق غیر مستقیم صاحب شدند. راهزنان بر سر راهها کمین گرفتند تا مردمی را که با پول و آذوقه و پوشاک با ابتکارات شهری و محلی عازم بم برای کمک به هموطنان خویش بودند لخت کنند، کویان یتیم بم را برای قاچاق انسان و کلیه آنها بفروشد، چادرهای ارسالی ممالک غربی را که جهت چنین مواردی تهیه شده است در بازار آزاد آزادانه معامله کنند، آذوقه جمع آوری شده برای مردم بم را کیسه کیسه فی سبیل الله بصورت سازمان یافته در عرصه تجارت با پول حلال تاخت زنند و آرزو کنند تا خداوند روزی آنها را افزون کند. یکی از اهالی بم که از غارت ۴۵ هزار پاند یاری ایرانیان انگلستان خبر داشت آنرا برای رفقای ما تشریح میکرد. دیگری میگفت که مردم در کیسه‌های برنج نامه و ارز خارجی پیدا کرده اند که در آن نامه تاکید شده بوده است که این کمک برای زلزله زدگان بم است ولی این کیسه برنج سر از بازار آزاد در آورده بود.

در حالیکه آفازاده‌ها میلیاردها تومان بالا میکشند و با والدینشان به عیاشی و زندگی زالوار ادامه میدهند هزاران هزار مردم بم از حداقل شرایط زندگی محرومند.

زلزله بم موجی از همدردی و همبستگی در ایران بوجود آورد و به کوری چشم ناسیونال شونیستهای کرد و آذری میلیونها هموطن ما در این دو خطه بزرگ از خاک ایران به یاری مردم بم برخاستند. آنها به تبلیغات “نفرت ملی” رهبران خویش پشت کردند و نشان دادند که ملت‌های ایران برای حفظ این آب و خاک هزاران سال است که در کنار هم قرار دارند. این همسنوشتی و وجدان ملی که از آذربایجان تا سیستان چون خط روشنی کشیده شده بود باید الهام بخش ملت فارس باشد تا تساوی حقوق ملت‌های ایران را که امری دموکراتیک و انسانی است برسمیت بشناسد و وحدت انقلابی ملت‌های ایران را بر این اساس تحکیم بخشد.

رژیم جمهوری اسلامی که خود را نماینده امام زمان میدانند و چاپلوسان حتی تا جایی پیش رفتند که خمینی و خامنه ای را امام زمان و یا فرستاده مستقیم امام زمان وانمود کردند عرضه ندارد که سازمانی تاسیس کند که در مواقع اضطراری کارآمد باشد و بتواند فوراً بسیج شده و فوراً بزرگترین نیازهای مردم مصدوم و مجروح را در هنگام بروز سوانح طبیعی و حتی غیر طبیعی برآورده نماید. ایران زلزله خیز از داشتن چنین سازمان و نیروی کارکشته، آموزش دیده و مجهز و آماده محروم است. حکام ایران حتی از زمان رژیم گذشته باین فکر نبوده اند. به مصداق هر آن کس که دندان دهد نان دهد هرگز به فکر برنامه ریزی نبوده اند و نیستند. همه کارها را میشود به امان خدا رها کرد. چه کسی از خدا بهتر میدانند که چه کاری بکنند؟ وگرنه ممکن نیست که شهردار با مسئولیت و میهن پرستی حاضر باشد ساختن آسمانراشهای بیقواره را در تهران مجاز

تبلیغات امیریالیستها محصول ماشین جعلیات آنهاست

درمورد "همه..."

حکومتی باید از جان و مال خود مایه بگذارند. هر کس بر این مهم سرپوش بگذارد و مردم را بدون دورنما به خیابان فرا بخواند و عوامفریبانه خواست "اتحاد ملی" با ضد ملی ها و دشمنان مردم ایران را طرح کند و از "تفاق ملی" سخن گوید تا "تفاق ملی" خویش را بیوشاند هدفش آن است که آن دورنمایی را به مردم قالب کند که مورد پذیرش مردم نیست. آنوقت این عده بیشتر کودتاگرند و میخواهند با سوار شدن بر موج اعتراض و نارضائی مردم وقتی اوضاع را متشنج کردند بر این موج بحران سوار شده و با "اوکرائینزه" کردن ایران سلطنت به گور سپرده شده را بنام نامی "دموکراسی" بر سر کار آورده و دست استعمارگران را مجدد در ایران باز کنند. مگر میشود که به "اتحاد ملی" دست زد و تمایز میان ملی و ضد ملی را روشن نکرد؟ مگر میشود مردم را به مبارزه فراخواند بدون اینکه روشن کرد دشمنان مردم ایران چه کسانی هستند؟

روشن است که توسل به شعار کهنه و پوسیده خمینی در قالب "همه با هم" شعاری ارتجاعی، ضد مردمی، ضد ملی و در خدمت تغییر ضد انقلاب حاکم با ضد انقلاب مغلوب است. روشن است که این عده نمیخواهند با همه مردم باشند بلکه میخواهند با پیروان سلطنت طلبان و نوکران امپریالیستها که دشمنان مردم ایران هستند باشند. "همه" آنها با "همه مردم" ماهیتا متفاوت است.

از این گذشته روشن است که تغییر قانون اساسی در چارچوب رژیم سرپایا مسلح در قدرت و با رضایت وی، برای سرنگونی خودش ممکن نیست مگر آنکه از رفتارند کسب امتیازاتی از رژیم افاده شود که اساس جمهوری اسلامی را دست نخورده باقی بگذارد. پس آنوقت هواداران رفتارند هواداران بقاء جمهوری اسلامی هستند و مدعی اند که گویا حکومت اسلامی با دموکراسی و حقوق بشر و پذیرش قدرت ملت مغایرتی ندارد. آنوقت بر این اصل صحه گذارده اند که رژیم اصلاح ناپذیر جمهوری اسلامی یک شبه اصلاح پذیر شده است و تجربه ۸ سال حکومت خاتمی، تجربه ای آموزنده و کافی نبوده و نیست و باید تجربه اصلاحات ناموفق را مجدداً برای سرگرمی مردم تکرار کرد. تبلیغ این دروغ بزرگ خاک پاشیدن به چشم مردم است.

سفاهت محض است که تصور شود که مردم ایران میتوانند در یک رای گیری عمومی که آزاد و دموکراتیک باشد، آنهم در شرایط فقدان سازمانهای سیاسی و زندانهای مملو از زندانیان سیاسی و قذغن بودن مطبوعات و کنترل رسانه‌های گروهی توسط حاکمیت و... رژیم آخوندها را سرنگون کنند. پس به چه دلیل عده‌ای این اتهام سفاهت را برای خویش به جان میخرند؟ زیرا امپریالیستها و نوکران آنها برنامه دیگری دارند و برای اجرای این برنامه به سیاهی لشگر محتاجند.

امپریالیستها مترصدند که آخوندها را از یک برآمد مردمی و جنبش انقلابی بترسانند. امپریالیستها برای آنکه مقاومت آخوندها را در هم شکنند مشغولند که به آنها امان نامه دهند، آنها را نجات دهند و حتی از نیروی آنها بر علیه انقلاب به موقع استفاده کنند و برای رضا و اطمینان

خاطر آنها علیه حس "انتقامجویی ملت" تبلیغات کنند تا نظرشان را برای یک گذار مسالمت آمیز و تقدیم دوستی قدرت سیاسی نه به مردم بلکه به سلطنت طلبان و اربابانشان جلب کنند. و این آن اسلحه مسالمت آمیز است که گویا توسط آن میشود کار رفتارند بدون خونریزی را به اتمام رسانید.

بیانیه در مورد "همه با هم" و یا "همه پرسى" عملاً در چارچوب رژیم کنونی است و ناشی از ترس تدوین کنندگان آن از برآمد مردم بوده و عملاً زنده کردن مردسلطنت است زیرا فاقد اتخاذ موضع روشن در مورد آینده سیاسی ایران در برخورد به امپریالیسم و نیروهای سیاسی که استقلال ایران را تهدید کرده و حمایت از اکثریت جامعه ایران یعنی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را مسکوت گذارده، میباشد. همه پرسى آن ساز و کاری است که ساخته و پرداخته نیروهای سلطنت طلب و سازشکار بوده که میخواهند نمایشات خیابانی را با نظارت و آزمایش ذره ذره آن، تا مبدا به سیل بنیان کنی بدل شود که بنیان آنها را نیز بکند، همراه کنند، مهم نیست این خواست از زبان کدام الکنی بدر آمده است، مهم آن است که نتایج عینی این طرح ضد انقلابی کدام است. برای ضد انقلاب مغلوب اولی تر است سیاهی لشگری از متوهمان، "جان به لب رسیدگان"، کسانیکه نمیدانند برای چه به میدان آمده و چه در آینده خواهند خواست بوجود آورند، مهم آنکه ارتجاع سلطنت طلب و سازشکار میداند که چه میخواهد و چه آشی مجدداً برای مردم پخته است. رفتارندمیستها بدنبال قربانی میگردند تا حاضر باشد خویش را در خدمت مطامع آنها قربانی کند. ماشین فریبکاری آنها از همین اکنون به راه افتاده است. آنها به شما نمیگویند که هوادار سینه چاک امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع هستند، خود را هوادار دموکراسی و آزادی و "اتحاد ملی" با هر چه ضد ملی و دشمن مردم است جا میزنند. رفتارند و یا همه پرسى بدون دورنما، بدون خواسته‌های روشن، بدون پشتوانه توده مسلح بعنوان تضمین پیروزی و استقرار خواسته‌های آن چیزی جز "هخانیسم" نیست.

ومردم ایران یک بار سلطنت "هخا" را بگور فرستاده اند. جنبشی که نه در مورد استقلال ایران و تمامیت ارضی ایران در ارتباط با امپریالیسم و در مورد تجاوز استعماری آمریکا به عراق و اشغال این سرزمین بعنوان پرچمدار "دنیای آزاد" و مدافع "حقوق بشر"، نه در مورد مشخص تلاش ارتجاعی برای تجزیه ایران و نه در باره قرارداد‌های ننگینی که رژیم امضاء کرده است و نه در باره خواسته‌های زحمتکشان و کارگران این اکثریت مردم میهن ما و نه در مورد نظام آتی اقتصادی ایران بطور روشن و نه در مورد... چیزی ندارد بگوید و یا از گفتن آن طفره میبرد یا آنرا پنهان میکند تا همه ارتجاع را زیر نقاب "ملی" گرد آورد ارتجاعی است و نباید مورد پشتیبانی قرار گیرد. امضاء چند روشنفکران بی خبر یا نادان داخل کشور و واماندگان خارج کشور نیز در ماهیت این حرکت ارتجاعی که با خواهش و التماس میخواهد رژیم جمهوری اسلامی و "تمایندگان روشن بین" آن جایشان را به آنها یعنی سلطنت طلبان دهد

تغییری حاصل نمیکند. پرچم حقوق بشر این عده ناشی از بشر دوستی نیست زیرا کسانیکه با بهره کشی انسان از انسان موافقت و به زیر اصل احترام به مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، هنوز به قدرت نرسیده امضاء گذارده اند و از قبل نوع نظام اقتصادی ایران را زیرجلکی تعیین کرده و به مردم انداخته اند نمیتوانند دموکرات، صمیمی و هوادار برابری و شفافیت باشند. آنها دیکتاتوری بورژوائی خویش را در زیر نقاب حقوق بشر پنهان کرده اند. متحدین این "بیانیه" از جمله هواداران سلطنت، شکنجه گران سابق، بنیانگذاران حزب فراگیر رستاخیز، اندیشمندان استبداد شاهی، توصیه گران تجاوز آمریکا به ایران، حامیان "ایاد علاوی" و "حامد کرزای" و "آگوستینو پینوشه" و "زیچارد نیکسون" و "رونالد ریگان" هستند. چنانچه به شفافیت این بیانیه افزوده شود تا از فریب مردم جلوگیری گردد خواهید دید که این "وفاق ملی" چگونه بوی تعفنش در میآید. در یک کلام هواداران این بیانیه بطور عینی هواداران سلطنت و امپریالیسم هستند و جاده را برای کسب قدرت ارتجاع مغلوب آماده میکنند. مردم ایران ولی خواهان سرنگونی این نظام و استقرار حکومتی هستند که تکلیفش با مذهب، با امپریالیسم و صهیونیسم، با ولایت فقیه و ولایت شاه، با سلطنت بعنوان یک شکل پوسیده، غیر دموکراتیک و کهنه حکومت روشن باشد، با وحدت دموکراتیک خلقهای ایران در چارچوب ایران دموکراتیک دشمنی نداشته باشد. حکومتی که جمهوری را که شکل پیشرفته و بالنده است ارتقاء دهد. تاریخ را به جلو ببرد و نه آنکه در زباله دان تاریخ بدنبال مفقود الاثرها بگردد. آنچه را که باید ترقی داد جمهوری است و نه سلطنت و بیانیه شکل زنگارگرفته سطنتی را برای انقیاد مردم میهن ما به همه توصیه میکند.

اگر برای بخشی این رقص مرگ ناشی از سردرگمی باشد برای سلطنت طلبان، بیانیه ای برای انقیاد مردم کشور ماست و باید با آن مبارزه کرد.

حزب بلشویک و ...

بطور مصنوعی از یکدیگر جدا میشوند، یعنی علاقه کارگران به فرهنگ بورژوازی ملل جداگانه تقویت مییابد و حال آنکه وظیفه سوسیال دموکراسی (کمونیستهای فعلی - توفان) عبارت است از تقویت فرهنگ بین المللی پرولتاریای همه جهان.

حزب خواستار است که مشروطیت دارای آنچنان قانون اساسی باشد که طبق آن هرگونه نقض حقوق اقلیتهای ملی را غیر معتبر اعلام دارد.

منافع طبقه کارگر ایجاب میکند که کارگران همه ملل روسیه در سازمانهای واحد پرولتری و سیاسی و اتحادیه ای و کنوپراتیوی و فرهنگی و غیره در هم پیوسته شوند. تنها یک چنین اختلاط کارگران ملل گوناگون در سازمانهای واحد کارگری، به پرولتاریا امکان خواهد داد که بر ضد سرمایه بین المللی و ناسیونالیسم بورژوازی پیروزمندانه مبارزه کند. "قطعنامه حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی قسمت اول ص ۲۳۹-۲۴۰ چاپ مسکو).

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم

زمین لرزه در قعر...

کشته شده بودند که آنها این زحمت انسانی را به خود بدهند و نه جمهوری اسلامی برای جان مردم و حیثیت آنها ارزشی قابل است و بود. در شهر بم مرجع بود که اجساد را در گورهای دسته جمعی برای ممانعت از گسترش امراض عفونی وبا و تیفوس و... دفن کنند. کار به جایی رسیده است که اروپائیا به نیش قیرها پرداخته اند تا جسد اتباع خویش را پیدا کنند. اینکه چنین عملی برای ساکنین بومی این مناطق خطرناک است و به گسترش بیماریهای واگیر و عفونی می انجامد ظاهرا در درجه دوم اهمیت قرار دارد. آنها برای دلداری و توجیه فشاری که به دول این ممالک وارد کرده اند مدعی شده اند که هدفشان از نیش قیرها در عین حال شناسایی اجساد مردم بومی نیز میباشد. ولی کدام عقل سالمی است که این ادعای کاذب را قبول کند.

رهبان ممالک غربی بیکباره با استناد به منابع علمی متذکر شدند که تاریخ بشریت چنین توفان عظیم و مهیبی را به خاطر نمیآورد. صهیونیستها برآشفته شدند که پس "توفان نوح" مهیب تر نبوده است؟ مگر رودخانه نیل انبوه سواران فرعون را که در تعقیب حضرت موسی بودند به کام خویش فرو نبرد؟

حال باید سیاستمداران که نقش ارتجاعی مذهب و اهمیت حیاتی آنرا در تحمیل مردم در یک لحظه هیجان زدگی تاریخی فراموش کرده بودند بخود آیند و از بیان حقایق خوداری کنند. باید مانند همیشه دروغ بگویند و اجازه دهند این دروغهای ضد علمی و ضد خرد بشری در مدارس و رسانه‌های گروهی بنام نامی "آزادی عقیده و بیان" بخورد کودکان معصوم مردم داده شود تا همگی برای جهادهای مذهبی و کشتار قومی آماده شوند. مذهب هنوز اسلحه ای است که بر ضد کمونیسم برائی دارد و میتوان از آن سود فراوان برد. دکان مذهب، هم کالای دوراندیشانه معنوی پر سود آتیه میفروشد و هم کالاهای مادی آنی را آب میکند و بسیاری را به نوائی میرساند. دکان مذهب دکانی پرسود و نان و آب دار است. آخوندهای متحجر و ریاکار رژیم جمهوری اسلامی در کشتار حدود دویست هزار مردم بدبخت و بخت برگشته مسلمان اندونزی و مسیحی و بودائی سایر ممالک را غضب الهی عنوان کردند. در منطق ارتجاعی این حضرات، سواحل آن کشورها از آن جهت به زیر آب رفت که مرکز لختی ها و فحشاء بود. تایلندیها سزاوار آن بودند که به قتل برسند.

ولی همین آخوندهای مرتجع که برای "اجرای عدالت پروردگار" بدنبال دستاویز فریب میگردند نمیگویند که تمام بخش "باند اجه" در اندونزی در اختیار مسلمانان متعصبی بود که علیه حکومت اندونزی به مبارزه مسلحانه دست زده و از مخالفین سرسخت آمریکا بودند. البته این ریاکاری به آخوندهای ایران منحصر نمیشود.

این ممالک ویرانه، قربانی دریا لرزه اخیر، قربانیان "تسومانی" و خیزآب های دریائی نیستند، آنها سالهاست که بدست "کلوب رم" که شامل ۱۹ کشور طلبکار است قربانی شده و به خاک و خون کشیده شده اند. کمر آنها را دریا لرزه نشکسته است، بانک جهانی شکسته است. مقدار بدهکاری آنها فقط برای سال ۲۰۰۵ سر به

۵ میلیارد دلار میزند که سه میلیارد آن از آن اندونزی است. وضع از این بدتر است. اندونزی با گرفتاری جهانی صد میلیارد دلاری قربانی سیاست خصوصی سازی و پیروی از سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است که این "چابک سوار" آسیا و یا "ببر آسیا" را به مملکتی فقیر و غارت شده بدل کرده است. این امپریالیستها هستند که شیره جان اندونزی را مکیده اند. دریا لرزه اخیر در قیاس با این غارت امپریالیستی قطره ای در مقابل دریاست.

ولی هیچ کشور امپریالیستی و طلبکار حاضر نشده است در این دوران سختی دست این ممالک ویرانه را بگیرد و آنها را با بخشیدن بدهکاریشان از قعر دره بدر آورد. برعکس آنها باین استدلال مسخره متوسل میشوند که اگر ما از طلب خود صرف نظر کنیم باید همین کار را در افریقا نیز بنمائیم و این ممالک را تپیل بار آوریم و مانع شویم تا آنها با پرداختن بدهکاریشان در جهان برای خویش در نزد منابع مالی خصوصی شایستگی اعتبار لازم را کسب نمایند. **بی اعتباری به آنها بیشتر صدمه میزند تا انصراف از دریافت وام.**

کشوری که اعتبار نداشته باشد مانع از آن است که سرمایه‌های خصوصی در آن کشور به سرمایه گذاری بپردازند. و دقیقاً در شرایط ویرانی کنونی این ممالک باید درهای خویش را به روی سرمایه گذاریهای خصوصی باز کنند تا با سرمایه گذاری و ایجاد کار بر ویرانیهایی غلبه کنند. باز گذاردن دست سرمایه گذاران خصوصی صدها بار بهتر از کمکهای بلاعوض برای توسعه این کشورهاست. این سیاستی است که امپریالیستها در مورد این قربانیان به خون کشیده شده اعمال میکنند. هفت کشور صنعتی جهان با این سیاست میخواهند سایر بستانکاران را در عرض هفته آتی قانع کنند.

البته گرگسهای امپریالیست کاملاً بی وجدان نیز نیستند. آنها حاضرند پرداخت سود و اصل سرمایه را موقتاً به عقب بیندازند تا این ممالک موفق شوند صنایع زیربنائی خویش را که از بین رفته اند و حتی برای سرمایه گذاری خارجی امپریالیستها جنبه حیاتی داشته و ضروری هستند با سرمایه ملی خویش بسازند و آنها را مجدداً در اختیار امپریالیستها قرار دهند. دلسوزی امپریالیستها بیشتر برای خودشان است تا برای این ممالک. سلام آنها بی طمع نیست.

نشریه لوموند دیپلماتیک به زبان فارسی در ژانویه سال ۲۰۰۵ در همین زمینه مینویسد: "بالغ بر ۴ میلیارد دلار کمک دولتی و خصوصی جهانی به فاجعه اخیر و عده داده شده است، همه از اهمیت این رقم خشنودند و به هم تبریک می گویند، معذک، در مقابل دیگر هزینه‌ها، این رقم جزئی است، مثلاً بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا، ۴۰۰ میلیارد دلار است، هنگامی که در پائیز ۲۰۰۴، فلوریدا از گردبادی مهیب آسیب دید، و قربانیانی، به مراتب کمتر از فاجعه کنونی بر جای گذاشت، واشنگتن بلا فاصله کمک ۳ میلیارد دلاری ارائه کرد. باری، مبالغ وعده داده شده (حدود ۳۵۰ میلیون دلار وعده نوک زبانی توفان) در مقابل نیازهای کشور های داغدار نا چیز می باشد. مطابق ارقام بانک جهانی، قرض های دولتی ۵ کشور از میان کشور های آسیب دیده، بیش از ۳۰۰

میلیارد دلار است و پرداخت آن سالانه به ۳۲ میلیارد دلار بالغ می شود، یعنی بیش از ۱۰ برابر وعده‌های کمک رسانی «دلسوزانه» امروزی. به نام پرداخت وام، هر سال کشور های فقیر ۲۳۰ میلیارد دلار به جیب کشورهای غنی شمال واریز می کنند. دنبای وارونه ای است. به مناسبت فاجعه کنونی مسئله وقفه در پرداخت وام از طرف کشور های مصیبت زده مطرح است. البته وقفه کافی نیست، باید به طور ساده آنها را لغو کرد. همانطور که ایالات متحده به همدستان خود در کلوب پاریس لغو وام های عراق را تحمیل کرده است، هر چند عراق کشوری با منابع غنی گاز و نفت می باشد. چرا چنین تصمیمی را برای کشورهای فقیر تر اجرا نکنیم؟ آن هم کشورهای هایی که مصیبتی بی سابقه در همدشان شکسته است؟ مطابق نظر "برنامه سازمان ملل جهت توسعه"، PNUD "در قیاس جهانی مبلغ ۸۰ میلیارد دلار در سال جهت پاسخ به نیاز های اولیه انسانی لازم است"، منظور دسترسی به آب آشامیدنی، بر خورداری از سقف، غذای مناسب، آموزش ابتدایی و خدمات اساسی بهداشتی است. این مبلغ دقیقاً برابر بودجه تکمیلی مورد در خواست بوش از کنگره آمریکا، برای ادامه جنگ با عراق است."

امپریالیست آمریکا که از صدمات شدیدی که به پایگاه بزرگ دریائی و جاسوسی آنها در جزیره "دیه و گارسیا" در اقیانوس هند وارد شده بود سرگیجه گرفته بودند و مشغول کتمان آن بوده و هستند در روزهای نخست نمیدانستند چه غلطی بکنند ولی بیکباره از خواب بیدار شده و فهمیدند که از فقر و بدبختی منطقه چه سود فراوانی میتوانند نصیب آنها شود و چه تبلیغات مشمزه کننده سیاسی و ایدئولوژیک میتوانند در خدمت خود به کار گیرند. آنها نمیایست از رقیب اروپائی خویش عقب میمانند.

پس راه افتادند تا ناو هواپیما بر "ابراهام لینکلن" را که از مشکلات "دیه و گارسیا" خلاص شده بود به سواحل اندونزی بفرستند و به جزایر کوچک و مهم استراتژیک هندوستان از نظر نظامی نزدیک شوند و در فرصت مناسب در آنها به بهانه کمکهای انسان دوستانه پیاده شوند. دولت هندوستان با اخطار خود به آمریکا اعلام داشت که فریب "کمکهای انسان دوستانه" آمریکا را نخواهد خورد و بهتر است آمریکا گورش را از آن حوالی گم کند. این ناو هواپیما بر از آن جهت بنام بود که در عرشه آن جرج واکر بوش در حالیکه سینه‌هایش را جلو داده بود پایان جنگ عراق و پیروزی "آزادی و دموکراسی" و استقبال مردم عراق از سربازان آمریکائی را اعلام کرده بود!

وزیر امور خارجه آمریکا آقای کالین پاول با کوله بار ۱۲۰ هزار کشته‌های مردم مسلمان عراق، همان وزیر امور خارجه ای که در شورای امنیت سازمان ملل با شعبده بازی و جعل اسناد، گستاخانه و بی شرمانه میخواست ثابت کند که کشور عراق دارای بمب اتمی و میکروبی و شیمیائی است و با تروریستهای القاعده روابط حسنه و نزدیک دارد با لبخندهای "بشردوستانه" عازم "سوماترا" در اندونزی شد تا با هیاهوی زیاد رقم ناچیز کمکهای با تاخیر آمریکا را که مخارج یک روز جنایتش هم در عراق نیست به رخ مردم منطقه بکشد. ...بقیه در صفحه ۹

جنایات رهبران صهیونیسم در فلسطین جنایت علیه بشریت است

زمین لرزه در قعر...

وی در اندونزی در حالیکه سینه خویش را سپر کرده بود خود را جلو انداخت که بعله! ما با مسلمانان برادریم و به آنها احترام میگذاریم و مخالفتی با مذهب اسلام نداریم و حضور ما در جاکارتا و ارسال سیل کمکهایمان به جنوب شرقی آسیا نشانه آن است که حیثیت انسانها برای ما صرفنظر از ایدئولوژی و مذهب، جایگاه خاص خود را دارد. این حرکت مشمنز کننده در حقیقت پرده از نیت نفرت انگیز آمریکا از کمکهای ناچیزش به مردم بدبخت منطقه بر میدارد.

برادری امپریالیست آمریکا با حزب الله اندونزی در زمان کودتای سوهارتو و کشتار یک میلیون کمونیست اندونزی اثبات شد که نه لیبرالها و نه دموکراتهای هوادار دیکتاتوری سلطنتی اشاره ای به آن نمیکند و این کشتار جمعی تاریخی را به فراموشی سپرده اند.

آقای کالین پاول که در رقابت با امپریالیستهای اروپایی کمی دیر جنیبیده بود زبانی اعلام کرد که رهبری سازمان ملل را در عرصه ارسال و تقسیم و هدایت کمکها می پذیرد. بیکباره سازمان ملل اهمیت خویش را باز مییابد. این مانور امپریالیست آمریکا تازه اگر صحت داشته و صادقانه باشد و عملی گردد تلاشی بی فرجام برای آرایش چهره دسیسه گر و خاطی و متجاوز امپریالیست آمریکاست که میخواهد اروپائیه را نیز وادار کند از ابتکارات مستقل دست بردارند و رهبری سازمان ملل را بپذیرند. کاری که در عراق حرام است در اندونزی و جنوب شرقی آسیا حلال میگردد. حقا که آمریکائیها زن آخوندی دارند.

همراه با نغمه‌های "برادرانه" وزیر امور خارجه آمریکا در جاکارتا که منجر به فریب مردم نشد و نمیشود مردم اندونزی از کمکها استقبال کردند و افزودند که با هرگونه دخالت آمریکا در منطقه مخالفند و فوراً برای مقابله با دورویی امپریالیستها سازمانهای امدادی محلی داوطلبانه خویش را سازمان دادند. آنها میخوانند هدایت و رهبری امدادها را خود به عهده گیرند و این ابتکار انقلابی و انسانی با نیت شوم امپریالیستهای آمریکائی متناسب نیست. کمکهای امپریالیستها همواره مشروط بوده است، کمک امپریالیستی همواره با غرض و مرض همراه است و آنها نمی پذیرند که شرایط کمکها را مردم انونزی به آنها تحمیل کنند و نه برعکس. بشر دوستی امپریالیستی بشر دوستی تجاری و کاسبکارانه است مانند بشر دوستی هیات متوقفه اسلامی در ایران.

زمین لرزید و دریای وعده و وعیدها به حرکت در آمد. ژستها و ادا و اطوارهای "بشردوستانه" دولتمردان اروپایی آغاز شد. آنها در درجه نخست همه استعداد خویش را به کار گرفتند تا مردم را فریب دهند و از آب کره بگیرند. همان کاری را که در مورد زلزله بم کردند.

کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد که از این همه عوامفریبی به خشم آمده بود با زبان دیپلماتیک اعلام کرد که در فاجعه زمین لرزه بم همین دولتمردان "انساندوست" وعده کردند ۱/۱ میلیارد دلار به ایران کمک کنند. آنها که از آسیاب افتاد کوه موش زانید و مبلغ کمکها به ۱۷ میلیون دلار تنزل کرد که به ایران حواله

شد. دولت ایران لیکن اعلام کرد که چنین حواله ای هرگز بدست ما نرسیده است. ما از این بابت فقط ۱۷ میلیون دلار از خارج دریافت کرده ایم. کوفی عنان با اشاره به این وعده‌های مالی اظهار کرد: "بر اساس تجارب گذشته ما همه کمکهای مالی را دریافت نمیکنیم" (روزنامه معتبر زود دوچه تسایوتونگ در آلمان مورخ ۷ ژانویه ۲۰۰۵). در این اظهارات کوفی عنان روشن نبود که مبلغ نامبرده کمکهای ارسالی به ایران کمکهای ناخالص و یا خالص پس از محاسبه و کسر مخارج متقبله از جانب ممالک کمک کننده و از جانب خدمات سازمان ملل متحد بوده است. آنچه روشن است از سرنوشت صد میلیون دلار خبری نیست. کدامیک از طرفها این صد میلیون را بالا کشیده اند و از پاس بدختی مردم بم به آلف و الوفی رسیده اند روشن نیست. معلوم میشود نه ملاهای ایران و نه متدیینان مذهبی سازمان ملل متحد از آتش جهنم باکی ندارند. رژیم ملایان بجز کمکهای بیدریغ مردم سراسر ایران به مردم زجر کشیده بم، دستشان برای دزدی از این ۱۷ میلیون دلار ادعائی نیز باز بوده است و تازه کمکهای جنسی را جداگانه توسط پاسداران و بسیجیان اسلام عزیز در بازار آزاد، آزاد برای هر تقلب و جنایتی، آزادانه فروخته اند. آخذها حداقل باید حساب این ۱۷ میلیون دلار ادعائی را به اطلاع مردم برسانند.

در کارزار یاری به مردم جنوب شرقی آسیا باید حساب مردم جهان را از جهان بیرحم سرمایه داری که آرزوی چنین بازاری را میکرد و از خوشی در پوست خود نمیگنجد جدا ساخت. میلیاردها مردم جهان برای یاری به قربانیان این فاجعه بشری با نام و یا گنم بپا خواستند و از جان و دل به آنها یاری رساندند تا شاید بتوانند آلام آنها را التیام دهند. در این راه بیش از یکمیلیارد یورو جمع آوری شد.

حال خوب است که به نیت امپریالیستها توجه کنیم. هزاران هتل و مسکن و ساختمان و صنایع زیر بنائی، کشتیهای کوچک و قایقهای ماهیگیری و جاده‌ها و اتومبیلها، مجتمعهای توریستی نابود شده است. باید آنها را دوباره و در حداقل زمان بنا نهاد. هر تاخیری در این امر میتواند سرمایه‌های توریستی را که سودش سالانه سر به میلیاردها یورو میزند صدمه زند. بوی تند کباب به بینی سرمایه داران رسیده است. آنها "بشردوستانه" اعلام میکنند که حاضرند در بازسازی این مناطق شرکت کنند. هر کس دیر برسد باخته است. باید تا آن جا که ممکن است این منابع مهم مالی را از چنگ تایلندیها و شرکای آنها خارج کرد. صنعت توریسم در تایلند پول ساز است. تجاوز به کودکان توسط عفریتهای بدقواره اروپایی و آمریکائی و آسیائی و... زیر سیلی رد میشود. چگونه میشود این "بهشت برین" را از دست داد. دولت تایلند که این خطر و این فشار جهانی را برای غارت تایلند حس کرده است در پاسخ به این هیاهوهای ریاکارانه اعلام نمود لطفا به دلای خود صابون نزنید دولت تایلند از نظر اقتصادی در حدی هست که خودش بازسازی صنعت توریسم را بعهده بگیرد.

ولی نه ممالک امپریالیستی دست برخواهند داشت و نه بانک جهانی و نه سازمان ملل متحد. آنها همه میخوانند در چگونگی خرج کردن این

کمکهای مالی که با همدردی مردم عادی به کف آمده است نظاره کامل داشته و به تصمیم نهائی دست بزنند. وگر نه کمک بی کمک و از کمکها خبری نیست. این کمکهای مهم مالی آنقدر در پیچ و خمهای بروکراسی و مردابهای دموکراسی و دست اندازهای شفافیت ایدئولوژیهای امپریالیستی دست پا میزنند تا ممالک خسارت دیده مثلاً به نظر خواست اسپانیا که شرط کمکها را به خرید از اسپانیا منوط کرده تسلیم شوند.

امپریالیست آلمان کارش از دقت آلمانی برخوردار است. از مردم آلمان با تحریک احساسات پول جمع میکند و با برنامه‌های بی وقفه تلویزیونی و به کار کشیدن هنرمندان و شخصیتهای خوشنام و بی خبر از همه جا چه آلمانی و چه خارجی که با نیت پاک به این مراسم آمده اند هیجان عمومی را زنده نگهداشته و بر احساس عمیق انسانی مردم با تصاویر تکان دهنده و مجریان وارد به کار خویش انگشت میگذارد تا حجم کمکهای مالی افزایش یابد.

نه تنها حجم کمکها افزایش یابد بلکه شخصیتها و شرکتها و بانکها و بیمه‌ها که باید میلیونها یورو برای تبلیغات خویش پرداخت میکردند تا نامشان در رسانه‌های گروهی برده شود و به محبوبیت آنها افزوده گردد این توفیق را مییابند تا با مبلغ "کلان" در قیاس با کمکهای "ناچیز" مستمندان واقعی و ناچیز در مقابل توانائی واقعی مالی این

کنسرنها و کارتلها خودی نشان دهند و صدها بار بیش از ارزش کمکهای ناچیزی که کرده اند اعتبار و محبوبیت کسب کنند. دوچه بانک یکی از بزرگترین بانکهای جهان ده میلیون کمک مالی میکند که با شرایطی همراه است. این شرایط به روشنی بیان نمیشود ولی این بانک در سرزمین تایلند حی و حاضر است و چند حضار کارمند و مترجم و کارشناس دارد که خود صدمه دیده اند. شعب آن صدمه دیده، و مسلماً در سرمایه گذاریهای توریستی سهمی بوده است. حال آنچه را که خواهی نخواهی باید به انجام برساند بر راحتی میتواند به جای یاری "انساندوستانه" جا بزند و به مصداق "تجاری بشکنند ماستی بریزد، جهان گردد به کام کاسه لپسان" نان خود را در ماست "انساندوستی" تناول کند. آنها قصد دارند تقسیم این کمکها و چگونگی آنرا از طریق "بنیاد آسیا" که متعلق به خود آنهاست به انجام رسانند.

شرکتهای دایملر-کرایسلر، جیبو، لیدل، هنکل، آلیانس و... وعده کمکهای فراوان داده اند، زمینس خودش اجناس مورد نیازش را به این ممالک منتقل کرده است.

حتی آقای دنلوف بوهله یکی از مسئولین اطاق بازرگانی و صنایع آلمان میگوید: "چنانچه چیزی را بخواهیم بسازیم، اتوقت برای شرکتهای آلمانی جالب است" و به قول روزنامه زود دوچه تسایوتونگ این فعالیتهای شرکتهای آلمانی بی طمع نیست. (شماره ۸ و ۹ ژانویه سال ۲۰۰۵).

همان نشریه می نویسد که دریا لرزه در شرق سریلانکا شرایط مادی هستی طرفهای شرکت "تجاری منصفانه گپا" را که درآمد سالیانه اش به ۳۶/۸ میلیون یورو میرسد نابود کرده است. بیش از همه چایکاران سریلانکائی صدمه دیده اند. شرکت "گپا" اعلام کرده است که بطور منصفانه این مزارع را مجدداً آباد خواهد کرد.

چاره ای هم ندارد... بقیه در صفحه ۱۰

زمین لرزه در قعر...

زیرا کارگزارانش در اروپا بیکار میشوند و بازارهای خویش را از دست خواهد داد. کارگران شرکت چای شتازن از بین رفته اند. وضع طوری شده که محل کارخانجات به محل اسکان مردم بدل شده است. چرخ تولید از کار افتاده و ضررش به سرمایه داران اروپایی میخورد. باید برای تغییر این وضع تا سود سرمایه داران کمتر نشود فوراً "انساندوستانه" دست به کار شد. سایر رقبا نیز چنگ و دندان تیز کرده اند تا بازار را از دست آنها بگیرند. یک جنگ "انسانی" امپریالیستی به تمام معنا در جریان است.

بر اساس اظهارات اتحادیه فدرال صنایع آلمان سرمایه گذاران آلمانی ۶ میلیارد یورو در این مناطق سرمایه گذاری کرده بودند و با شرکتیهای دختر خویش ۲۰۰ هزار نفر را در استخدام خود دارند.

پست آلمان نیز یک میلیون یورو کمک میکند زیرا هزاران کارمند و حقوق بگیر و تاسیسات در این مناطق دارد که باید سرایا نگاهداشته شود. این اقدامات قهرمانانه و انساندوستانه به پول نیاز دارد. به پول مردم مستمند و یا با وجدان. کارگران کارخانه در حال ورشکستگی اوایل که صاحبان آن میخواهد تا کارگران برایشان مجانی کارکنند و یا همه آنها طعمه دریا لرزه جنوب شرقی آسیا شوند تا از شرشان خلاص گردد در عین بی استطاعتی مالی صد هزار یورو به مردم خسارت دیده جنوب شرقی آسیا یاری رسانده اند. این صد هزار یورو کارگران اوپل ارزش انسانی اش به مراتب از تمام کمکهای امپریالیستیهای غارتگر آمریکایی بیشتر است. مردم آماده کمک تصور درستی از نوع مصرف این کمکها و شرایط آن ندارند. آنها با روحیههای انسانی با کمکهای انسانی مرهمی بر دردهای وجدانی خویش نهاده اند.

این کمکها در اشکال مختلف به خرید کالای آلمانی از بولدرز گرفته تا وسایل خانه سازی، مصالح اولیه، کرایه کردن هواپیماهای شرکتیهای در حال ورشکستگی، ارسال کالاهای از کار افتاده و از رده خارج شده و ماشین آلات خاک گرفته در انبارها بعلت فقدان توانائی رقابت با کالاهای پیشرفته و به کار گرفتن چرخ تولید و تزریق مالی به کارخانههای ورشکسته میسرند. همه سرمایه داران از این گنج رسیده از مسرت در پوست خود نمیکنند. آلمانها حتی نیم میلیارد یورو کمکهای دولتی را برای سه سال در نظر گرفته اند تا نه تنها کوتاه مدت بلکه بتوانند اهرامهای فشار خویش را دراز مدت بکار گیرند. چه بسا پس از خوابیدن سر و صداها با دستاویز قرار دادن مسایلی که همیشه در آستین دارند از پرداخت وعدههای خود سرباز زنند. سه سال دیگر فضای جهانی بکلی فرق کرده است.

هم اکنون غلیان "انسانیت" است که از هر گوشه کناری میجوشد، اندیشمندان سرمایه داری اروپا در رقابت با ژاپن و آمریکا میخواهند در کمپسینهای بحران که تشکیل داده اند بر سر چگونگی تسلط بر منطقه در زیر لوای "انساندوستی" به تصمیمات مهمی بپردازند. یکی از ایدههای آنها پرورش دادن این فکر است که باید تاسیسات اعلام خطر در مورد سوانح طبیعی دریائی را در منطقه جنوب شرقی آسیا

مستقر کرد. آنها میگویند اگر این تاسیسات وجود داشت این تعداد انسان به کشته نمیشدند. ولی این ممالک قادر نیستند هزینه سنگین چنین تاسیساتی را حتی مشترکاً پرداخت کنند. حال امپریالیستها تازه نفس از راه رسیده و میخواهند تا تئور داغ است نان را بپزند. هم آمریکاییها و هم اروپاییها میخواهند از منبع درآمدهای مالی ناشی از کمکهای مردم ساختن این تاسیسات را به شرکتیهای مثلاً اروپایی سفارش دهند. بنام "انسانیت" ولی برای ایجاد اشتغال در غرب، ماندن کمکها در غرب، دست یافتن به یک تجربه مهم دیگر تکنولوژیک و طبیعتاً در آینده گرداندن و نظارت بر این فن آوری و نفوذ سیاسی در منطقه. هر طور بگیرید بنفع امپریالیسم است. در این جا سخن بر سر ریاکاری است. بر سر دورویی است، بر سر آن است که قتاری را به جای بلبل جا میزنند.

پیروزی دموکراسی لیبرالی در...

عمومی جهان میرساندند. حال معلوم شده که این کامیونها سیار بمنزله آزمایشگاههای شیمیایی اساساً وجود خارجی نداشتند تا "سیا" از آنها عکس گرفته و یا طرح آنها را نقاشی کرده باشد. این تصاویر از اصل ساختگی بوده است. باورکردنی نیست که سازمان "سیا" اسناد جعلی برای فریب رئیس جمهور آمریکا بسازد. ممکن است این سازمان واقعا به اشتباه دچار شود، ممکن است تحلیل نادرست ارائه دهد ولی امکان ندارد از تاسیساتی که وجود خارجی ندارند عکس بگیرد و آنرا بعنوان واقعیت در اختیار رئیس جمهور آمریکا قرار دهد. این دیگر اشتباه نیست خیانت است و مسلماً سازمان "سیا" نمیتواند به این خیانت مبادرت ورزد. پس فقط یک امکان میماند و آن اینکه شخص رئیس جمهور به ابتکار تیم مشاوران کلاهبرداری جعل سند کرده باشد و برای آدمکنشی و فریب مردم به دروغ و اکاذیب متوسل شده باشد.

این مطالب را که مطالعه میکنید منابع روشن است. این ها را حزب کار ایران (توفان) از منابع ضد کمونیستی غربی، آمریکایی، آلمانی و فرانسوی و انگلیسی رونویسی کرده است. این است که ایراد اتهام تعصب جوئی و یکجانبه نگری به ما نمی چسبد. اگر کسی خشمی در دل دارد بهتر است بر سر منابع غربی خالی کند.

جرج واکر بوش که در اثر یک کودتای غیر نظامی با در دست داشتن اهرمهای قدرت سیاسی و اقتصادی و رسانه‌های گروهی بر سر کار آمد جنگی را برای منافع کنسرنها و تسلط بر جهان بر مردم آمریکا تحمیل کرد که از باتلاق آن به سادگی بیرون خواهد آمد.

این رئیس جمهور همراه با تمام تیم حکومت متجاوزش برای تحقق نیت آزمندانه خویش به جعل اسناد دست زد و دروغ گفت، سند سازی کرد، به شانتاژ و تهدید دست زد، سازمان ملل متحد را تحت فشار قرار داد، کلیه موازین بین المللی را لگدمال ساخت، به دروغ گفت که دولت صدام حسین دارای بمب اتمی است که هر لحظه ممکن است آنرا بر سر آمریکا بیاندازد، بدروغ گفت که دولت صدام حسین دارای بمبهای شیمیایی و میکروبی است و برای ایجاد رعب در آمریکا و جلب افکار عمومی به پخش میکروپ سیاه زخم

که در آزمایشگاههای نظامی آمریکا تهیه شده بودند دست زد و با کشته شدن چندین آمریکایی محیطی از ترس و ارباب ایجاد نمود تا سیاست تجاوزکارانه خویش را به پیش برند. حال با حدود گذشت دو سال از آن ماجرا صدایش را نیز در نمی آورند. حال که آنها از آسیاب ریخته است اف. بی. آی. آمریکا ظاهراً شتابی در پیگیری مسئله و یافتن خطاکاران ندارد. جان چند آمریکایی در قیاس با منافع کنسرنها ارزشی ندارد.

جرج بوش به دروغ به مردم آمریکا گفت که مردم عراق با دسته گل در کنار دروازه‌های بغداد در انتظار سربازان آمریکایی صف کشیده‌اند و زمانیکه به دروازه‌های بغداد رسیدند و از مردم گل بدست خبری نبود برای چند نفر شعیان بی مخ مزدور و اوباش و اراذل خود فروخته که با زور دلار بسیج کرده بودند دسته‌های گل خریدند تا به سربازان آمریکایی تقدیم کنند و رسانه‌های آمریکایی از آنها تصویر برداری کرده برای فریب مردم بر سر آنتهای تلویزیونی بفرستند.

در کارنامه سیاه جرج واکر بوش فقط دروغ و دغل و تهدید و ارباب و نقض قوانین حقوق ملل نیست. وی با ایجاد زندان گوانتانامو در بخش اشغالی کوبا، با ایجاد زندان ابو غریب در عراق و شکنجه زندانیان سیاسی و نیروهای مقاومت و مردم عادی به فجیع ترین وضع به نقض آشکار حقوق بشر مبادرت کرد که همه مجامع انسانی و حقوقی در عرصه جهان از آن ابراز انزجار کرده و آنرا محکوم نمودند. البته نوکران آمریکا نظیر کردهای ناسیونال شونیست ایرانی و عراقی، از نثار رئیس جمهور بی شخصیت و نوکر صفت سرنگون شده اسپانیا، سلطنت طلبان ایرانی به رهبری کیهان لندنی از این همه جنایات ابراز شادمانی کرده‌اند. جرج بوش مبارزه استقلال طلبانه مردم جهان را علیه سلطه گری آمریکا به بهانه هر جنایت تکاندنده‌ای را علیه بشریت در خدمت منافع بی حد و مرز آمریکا مجاز می‌شمارد. جرج بوش بارها و بارها بیان کرده است که هیچ قانونی را که بنظر وی منافع آمریکا را تحدید و یا تهدید کند برسمیت نمیشناسد. این طبیعتاً قانون زور و قانون جنگل است و با نفس وجود جامعه ملل در تناقض کامل است. بزعم بوش ملل و دول جهان از حقوق مساوی برخوردار نیستند برخی از آنها مساویتز از برخی دگرند، برخی از آنها حق دارند نقش برادر بزرگتر را بازی کنند، به کنترل زندگی دیگران بپردازند، با ایجاد وزارت خانه حقیقت جعل سند را جنبه قانونی دهند، دموکراسی خویش را که همان سیاست "حق با قویتر" است و یا "هر که با ما نیست بر ماست" را تحمیل کنند. دموکراسی یعنی آنکه هر کس حرف مرا بزند.

در زمان جرج بوش دره میان فقر و ثروت در آمریکا عمیقتر شده است. در زمان جرج بوش بزرگترین کمبود بودجه تاریخ آمریکا پدید آمده است و اقتصاددانان آمریکایی با سیاستی که در مورد بی اعتبار کردن ارزش دلار در پیش گرفته و یا برای تامین کسری بودجه به دریافت وام مبادرت می‌ورزند در واقع به حساب ممالک دیگر سطح زندگی خویش را بالا نگاه میدارند. افتضاحات مالی مربوط به بازی بورس و نقش کلاهبردانه جرج واکر بوش در این افتضاحات، کلاهبرداری... بقیه در صفحه ۱۱

پیروزی دموکراسی لیبرالی در...

کنسرنهای بزرگ صنعتی و تولیدی که با تنظیم بیلائنا ساختگی مالیاتی و درآمد و توان مالی واقعی، حقوق بازتستنگی میلیونها آمریکایی را بالا کشیدند، در دوران بوش میزان بیکاری نسبت به دوره دموکراتها افزایش پیدا کرد و...

در زمان آقای جرج واکر بوش خرافات مذهبی رنگ و جلای دیگری یافته‌است، سازمانهای مذهبی برای فریب مردم مانند قارچ از زمین و زمان میرویند و از کمکهای اداری دولت بوش بنام حمایت از سازمانهای خیریه برخوردار میشوند. دولت بودجه این سازمانهای مذهبی را از مالیات مردم تامین میکند. این سازمانهای مذهبی دست راستی وظیفه تحمیل افکار عمومی را بعهده دارند و باید ماشین شستشوی مغزی را در آمریکا جلا دهند. این سازمانهای مذهبی هوادار بوش، به شیوه امام خمینی که مساجد و تشکیلات روحانیت ارتجاعی را زمینه فعالیت و دور خیز خویش قرار داد و جان سختی چند هزار ساله را پشتوانه تبلیغات خویش کرد و بر جهالت عمومی و خوش خیالی و توهم توده‌های تحت ستم بنا نهاد، کلیساها و اماکن مذهبی را پایگاه خود قرار دادند و با بلند کردن صلیب مسیح و آوازهای دستجمعی مذهبی و بیباری گرفتن انتحاریون مذهبی که از خواب خوراک خود گذشته بودند و برای رستگاری و اعزام زورکی مردم به بهشت، از در خانه‌های بدر خانه دیگر میرفتند و رای جمع میکردند تا به نیات خود دست یافتند. آنها بیبک سازمان مافیائی گسترده، با ظاهری ملکوتی بدل شده‌اند. فعالین آنها با نقشه‌های دراز مدت با باز شدن دروازه‌های شرق عازم اوکراین بوده‌اند و برای این روزها برنامه ریزی میکردند. آنها پس از تجاوز امپریالیسم آمریکا به عراق، از عراق سر در آوردند و در بغداد مایحتاج زندگی مردم را همراه با انجیل مقدس بنام مسیحیت برحق توزیع میکردند و میکنند و دیدنیها و شنیدنیهای خویش را به اطلاع وزارت دفاع آمریکا میرسانند و مزد روزانه خویش را بخاطر این کارهای نیک و خیریه و نوعدستانه دریافت میدارند. هم زندگی این دنیائی آنها تامین است، هم زندگی آن دنیائیشان و سرشار از غرور ملی در امواج هزارنفره عازم عراق اند. این ارتش مذهبی چیزی سازمانیافته تر و مکارانه تر از تشکیلات بسیج جمهوری اسلامی و حوزه مدرسین و انواع و اقسام جوامع مذهبی روحانیت در قم است. نقل و انتقال آنها را ارتش آمریکا به عهده گرفته‌است. پیروزی بوش در انتخابات که این بار با اکثریت آراء شرکت کنندگان در انتخابات مقدور بود، مورد تردید کسی قرار نگرفت ولی همه مفسرین بر این نظر بودند که موازین اخلاقی و مذهبی نقش اساسی را در انتخاب وی بازی کرده‌اند. یعنی اکثریت با کسانی بوده‌است که قربانی مذهب و تبلیغات ناسیونالیستی قرار گرفته‌اند. آیا این درست است که مردم آمریکا برای هنجارها و ارزشهای اخلاقی وزنه قابل توجهی قایلند. اگر چنین است پس چرا برای این اکثریت مهم نبوده که رئیس جمهور آنها در دور نخست با کودتا بر سر کار آمده‌است و جای رئیس جمهور واقعی آمریکا را غصب کرده بوده‌است. مگر این امر یک ارزش اخلاقی نیست. پس چرا برای این اکثریت مهم نبوده‌است که این رئیس جمهور به مردم آمریکا آگاهانه دروغ

گفته‌است، سر آنها را کلاه گذارده و آنها را به جنگی کشانده‌است که تا کتون صد و بیست هزار انسان عراقی در آن بدست نیروی تجاوزکار استعمار به قتل رسیده‌اند.

آیا دروغگوئی جعل سند و فریب مردم و قتل و جنایت جز ارزشهای اخلاقی است؟

پس چرا برای این اکثریت این مردم نقض حقوق بشر، نقض موازین بین المللی حقوق ملل، ایراد شکنجه و... کوچکترین اهمیتی نداشته‌است. آیا ارتکاب به شکنجه و آدمکشی و توجیه این امر نقض آشکار موازین اخلاقی برسمیت شناخته شده نیست؟

پس چرا برای این اکثریت تمام دسیسه‌های مالی و دزدیهای بوش و مشاوران و همکاران وی بی اثر بوده‌است. آیا دزدی و کلاهبرداری جز مقولات ارزشهای اخلاقی نیست؟

فراموش نکنیم که در انتخابات آمریکا تنها کمی بیش از ۵۰ درصد مردم آمریکا علیرغم تبلیغات شدید شرکت کرده‌اند و جرج بوش با رای بیش از ۲۶ درصد از کل مردم آمریکا به کرسی ریاست جمهوری تکیه داده‌است. وی نماینده‌اقلیت مردم آمریکاست. بخش بزرگی از مردم آمریکا نظام انتخاباتی این دو باند بزرگ سوداگر آمریکا را به زیر پرش برده‌اند و فریب این بازی دروغین دموکراسی آمریکایی را نمیخورند و در انتخابات شرکت نمیکند، زیرا میدانند که نتایج این انتخابات هر چه باشد در زندگی آنها تاثیری نخواهد داشت.

این آمار نشان میدهد که بخش بزرگی از مردم آمریکا دیگر فریب این اکاذیب را نمیخورند. آنها انتخابات این دو باند سوداگر را تحریم کرده بودند. بخش دیگری که با هیجان انگیز کردن روند انتخابات به سبک فیلمهای آلفرد هیچکاک و ایجاد مشغولیات برای همه جهان در این انتخابات "دموکراتیک" شرکت کردند در گله‌های دسته جمعی بی اراده، از دلانهای شستشوی مغزی گذشته بودند و مانند مایخولیانیها قادر نبودند متکی بر اراده آزاد در این انتخابات شرکت کنند. ماهیت همه انتخابات لیبرالی که به قلاب "دموکراتیک" آویخته‌اند همین است. دموکراسی لیبرالی با رای نسبی خویش قدرتی را در اختیار سرمایه داران کلان و دشمنان بشریت قرار میدهد که اکثریت مطلق آن را نپذیرفته‌اند ولی ناچارند بعلت عدم دسترسی به اهرمهای قدرت، عدم تشکل، عدم رهبری انقلابی واحد به آن تمکین کنند و بدنبال زندگی روزمره خود بروند. در عوض جرج بوشها این نوع انتخابات را نشانه نهادینه شدن دموکراسی در آمریکا جا زده و تبلیغات ایدئولوژیک خویش را به پیش میبرند.

گرد هم آیی احزاب و...

میان خلقهای جهان را لازم خواند.

(پ) - به اهمیت حضور بیشتر و فعال تر احزاب و سازمانهای م - ل در میان مردم جهت رهبری مبارزات روزمره‌ی توده‌ها انگشت گذاشت.

(ت) - پیوند میان جنبش کارگری و مبارزه انقلابی خلقهای دربند، مقاومت ملتها را ضروری ارزیابی کرد.

(ث) - تهدید ملتها، جنگهای امپریالیستی و اشغال

کشورهای کوچکتر و ضعیف را شدیداً محکوم و از مقاومت ملی، و مبارزه‌ی میهن دوستانه‌ی خلفها و ملتها در قبال امپریالیسم حمایت کرده و آنرا مبارزه‌ی ای عادلانه خواند.

(ج) - اشغال عراق را - بعنوان یک عامل استراتژیک برای امپریالیسم آمریکا بخاطر تسلط برجهان - بشدت محکوم کرد... از مقاومت انقلابی عراق، از مبارزه‌ی ملی و میهن پرستانه مردم عراق - در تمام سطوح - در قبال اشغالگران امپریالیست آمریکائی و انگلیسی و... حمایت کرد... خواهان خروج فوری و بدون قید و شرط قوای اشغالگر از عراق و پرداخت غرامت بخاطر ضایعات و خسارات انسانی و اقتصادی وارده به این کشور از جانب اشغالگران - شد.

(چ) - با مقاومت ملی، با مبارزه‌ی عادلانه‌ی خلق فلسطین در قبال ارتش اشغالگر صیهونیسم بخاطر بدست آوردن استقلال و تأسیس یک دولت ملی در فلسطین، اعلان همبستگی کرد.

(ح) - بمناسبت در گذشت عرفات، از او بمتابه‌ی سبیل مقاومت ملی خلق فلسطین در قبال اشغالگران صیهونیست تجلیل بعمل آورد.

(خ) - جنگ داخلی در ساحل عاج را - که دول بومی و دول امپریالیستی در آن دست دارند - شدیداً محکوم کرد... ترور رفیق "حیبیب دو دو" مسئول سازمان جوانان حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج و... را توسط "میهن پرستان" فرمایشی با تلاشی مذبحانه و عبث ارزیابی کرد و ضمن همبستگی با خلق ساحل عاج و حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج در این شرایط دشوار، خواهان خروج فوری و بدون قید و شرط واحد های نظامی امپریالیسم فرانسه از این کشور شد - که بنام "سازمان ملل" مردم ساحل عاج را سلاخی میکنند...

(د) - کفرانس خواهان آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی شده و اعلان کرد که بخاطر روشن شدن وضع نامعلوم "مفقود" شده‌گان؟ - خاصه در آمریکای جنوبی - بیش از پیش تلاش خواهد کرد...

سند کفرانس مورد تأیید احزاب و سازمانهای زیر قرار گرفت:

حزب کمونیست کارگران فرانسه.

حزب کمونیست آلمان (کاپ.د).

حزب کمونیست کارگران دانمارک.

سازمان کمونیستی اکثر اسپانیا.

سازمان مارکسیست-لنینیست انقلابی نروژ.

حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست اکوادور.

حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست مکزیک.

حزب کار کمونیست مارکسیست-لنینیست جمهوری دومینیک.

حزب کمونیست انقلابی ولتائیک (بورکینا فاسو).

حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست کلمبی.

حزب کمونیست انقلابی برزیل.

حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست شیلی.

حزب کمونیست انقلابی ترکیه.

حزب کار ایران (توفان).

پیروزی مبارزه ملی مشروط به تأمین سرکردگی طبقه کارگر است

پیروزی دموکراسی لیبرالی در آمریکا بر ضد بشریت

اکنون مدتهاست که از انتخابات آمریکا گذشته است ولی اظهار نظر حزب ما نسبت به ماهیت این انتخابات مربوط به زمان نیست. عمومی تر و کلی تر است. هدف ما از طرح مسئله گذر از سطح به عمق است و میخواهیم خوش خوابان را بتکانیم تا از خواب خرگوشی بدر آیند و با نگاه علمی به پدیده انتخابات آمریکا برخورد کنند. این واقعیت همه دانسته است که جرج دبلیو بوش در انتخابات دوره اول نه تنها قدر مطلق آراء اش از رقیب دموکراتش آقای الگور کمتر بود بلکه در آراء مردم فلوریدا تقلب کرد و سپس در امور قضائی دخالت مستقیم نمود و با یک کودتای "دموکراتیک" باند کنسرنهای تسلیحاتی و نفتی را در آمریکا بر سر کار آورد. مشاوران بوش در اتخاذ سیاست حمله به عراق و حمایت بیدریغ از اسرائیل، جناحهای صهیونیستی و دست راستی در حکومتش بودند. امروز بر کسی پوشیده نیست که چندی معاون بوش با شرکت "هالیبرتون" و "کتل" و نظایر آنها نظیر آقای شولتز وزیر سابق امور خارجه و یا کاسپار واینبرگر وزیر سابق دفاع آمریکا سر و سری دارند و در منافع این شرکتها شریکند.

این حقایق که در چند سال پیش "توفان" نشریه حزب ما برملا ساخت امروز حقیقت همه دانسته‌ای است که دیگر حتی کیهان لندنی نیز نمیتواند آنرا با تمام مهارتش کتمان کند. دروغگوئیهای جرج دبلیو بوش نقل مجالس در جهان است. جرج واکر بوش نیز ناچار است برای توجیه ریاکاری خود به عوامفریبی متوسل شود و تمام کاسه کوزه‌ها را بر سر سازمان "سپا"ی آمریکا و "ام آی ۶" انگلستان بشکند که گویا به آنها اطلاعات نادرست داده‌اند. مضحک است که بپذیریم دولت قدرتمند آمریکا تنها به

حزب بلشویکها و مسئله ملی

پس از گزارش رفیق استالین به کنفرانس آوریل حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد جماهیر شوروی در باره مسئله ملی و بحث در پیرامون آن، قطعنامه ای به تصویب رسید. متن تصمیمنامه راجع به مسئله ملی که از طرف کنفرانس آوریل قبول شده این است: "از سیاست ظلم، تعدی ملی که میراث استبداد و سلطنت است ملاکین، سرمایه داران و خرده بورژوازی، بمنظور حفظ امتیازات طبقاتی خود و تفرقه میان کارگران ملت‌های گوناگون، پشتیبانی میکنند. امپریالیسم کنونی تمایل مطیع ساختن ملل ضعیفه را قویتر کرده عامل تازه تشدید... بقیه در صفحه ۶

گرد هم آیی احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست جهان

گرد هم آیی کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست جهان در سال ۲۰۰۴ میلادی - چندی پیش در اکوادور در آمریکای جنوبی، برگزار گردید. در این گرد هم آیی - بعد از بررسی بیان کار یکساله کنفرانس در سطوح مختلف - احزاب و سازمانهای حاضر در باره اوضاع و احوال جاری جهان ... در باره تعمیق بحران در کشورهای پیشرفته و پس مانده سرمایه داری ... در باره تشدید رقابت انحصارات برسر کنترل منابع و تقسیم در باره خصیلت تعرضی سرمایه و رشد مبارزات صنفی و سیاسی کارگران ... در باره اشغالگریهای نویتی امپریالیسم ... بیداری خلقها، مقاومت انقلابی ملتها و ... به تفصیل بحث و تبادل نظر کردند. بدنبال همین بحث و تبادل نظر نسبتا طولانی بود که کنفرانس: (۱) - بیش از پیش به لزوم پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم در اوضاع و احوال جاری جهان اصرار ورزید... شدیداً به مرتدان هشدار داد. (ب) - اشاعه مارکسیسم - لنینیسم در میان کارگران و زحمتکشان، در... بقیه در صفحه ۱۱

Workers of all countries
unite!

Toufan توفان

Central Organ of the
Party of Labour of Iran

No. 59 - Feb. 2005

زمین لرزه در قعر دریا و کرکس ها سراسر بر افلاک

لرزش دریا و وجدانهای، مسرت بی وجدانها در ۲۶ دسامبر سال ۲۰۰۳ زمین لرزه شهر تاریخی بم در میهن ما را با خاک یکسان کرد و حداقل ۴۰ هزار نفر را به کام مرگ کشانید. شهر بم هنوز مخروبه است و بیاس اسلام عزیز حاکم در ایران مردمانش در چادر زندگی میکنند. چادری بر سر و چادری بر روی سر دارند. یکسال بعد در آستانه میلاد حضرت عیسی مجدداً یک معجزه الهی به ظهور پیوست و ۱۵۰ هزار نفر را از آسیای جنوب شرقی تا سواحل آفریقا به کام مرگ کشید. دریا لرزه آقیانوس هند فاجعه ای به تمام معنی بود که خاطره بمبهای اتمی امپریالیست آمریکا را در ناکازاکی و هیروشیما زنده میکرد.

از فاجعه طغیان دریا در جنوب شرقی آسیا که سواحل چندین کشور را به زیر آب برد همه با خبرند. ابعاد فاجعه از این جهت برملا شد که نه فقط جان بی ارزش مردم اندونزی و سریلانکا و یا مردم تایلند در میان بود، بلکه در این حادثه غم انگیز و تکان دهنده هزاران اروپائی و آمریکائی یعنی بشرهایی که از "تژاد برترند" نیز کشته و یا مفقود الاثر گردیدند. باین جهت بود که ابعاد تکان دهنده فاجعه هر شب بر سر آنها بود و با خود وجدان بشریت را به لرزه در میآورد. هفته‌هاست که کارشناسان اروپائی در پی شناسائی اجسادند. منظور از اجساد، قربانیان اروپائی است و نه ساکنین بومی آن مناطق. گروههای امداد خارجی در شهر بم نیز هرگز با پیشنهاد شناسائی اجساد ساکنین بم نیامدند زیرا نه در بین آنها خارجیها... بقیه در صفحه ۸

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارگران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صمیمی، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی رسانید، زیرا ما تنها با اتکا بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پست مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ:20110022KontoNr.:573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

آدرس
Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany